

## جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی

دکتر موسی نجفی\* - محمد سجاد نجفی\*\*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۷ و تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۱۲/۱۴)

### چکیده

قیام تحریم تنباکو در سال ۱۳۰۹ هجری قمری نخستین حرکت توده وار و مردمی بوده که از نظر اکثر مورخین ریشه اصلی و اصیل نهضت مشروطیت ایران و پایان عصر به اصطلاح «بی‌خبری» محسوب می‌گردد. این جنبش مهم به عنوان یک خط سیر و شاخص در تاریخ فکر سیاسی ایرانیان می‌تواند بررسی و پژوهش گردد ولی علیرغم آن، از سوی برخی مورخین و یا شرق‌شناسان به عمد مورد بی‌مهری و یا تحریف واقع شده است. مقاله حاضر جریان شناسی تحریم و تأثیرات فکری-سیاسی آن را در تاریخ تحولات ایران به بحث می‌نشیند و به نقش بی‌بدیل مرحوم آیت‌الله میرزای شیرزای و اندیشه سیاسی وی در تحریم و خط فکری که از این زاویه در امواج بیداری اسلامی ایجاد کرد اشاره می‌نماید.

**کلید واژگان:** بیداری اسلامی، اندیشه تحریم، فکر سیاسی، نهضت مشروطیت، قیام تحریم تنباکو، نهضت تحریم، واقعه دخانیه انقلاب اسلامی.

\* دانشیار عضو هیات علمی پژوهشکده انقلاب و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

\*\* کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.

## مقدمه

واقعه دخانیه هر چند کوتاه بود و از نظر زمانی مانند ستاره‌ای درخشان و شهابی زودگذر آسمان ایران را روشن کرد، با اینحال تجزیه و تحلیل اثرات آن در زمان خود و ازمنه بعدی بسیار مهم و درخور دقت است؛ این باریک‌بینی از چند زاویه و بُعد قابل بحث است: پیدا کردن خط اصیل فکر دینی در مبارزات سیاسی و تحولات اجتماعی سده اخیر ایران؛ شناخت جریان‌ات موازی، کمتر اصیل و یا التقاطی در بستر تاریخی جریان تحریم؛ شناخت اندیشه تاریخی ایران و یافتن قوانین تحولات اجتماعی و سیاسی در جامعه اسلامی شیعی ایران؛ پیدا کردن بستر سیاسی تحولات عصر جدید و دوران مشروطیت و وقایع بعد از آن؛ استعمارشناسی و غرب‌شناسی رهبران و مردم ایران از یک‌صدسال قبل تا به امروز؛ نهضت شناسی اسلام و تشیع در مقابله با استعمار و استبداد در ارتباط با رهبری علمای دینی و حضور توده‌ای مردم کوچه و بازار؛ پیدا کردن ریشه‌های روشنفکری ایران و موضع‌گیریهای آنان در قبال یک نهضت اصیل مردمی و دینی، ملی و ضدغربی؛ پیدا کردن خط فکری تجار ایرانی و ارتباط آنان با علما، مردم، منافع ملی و یا شخصی، غرب و حکام و بالأخره تحولات سیاسی؛ تحلیل رجال بزرگ و تاریخساز از این واقعه و نقد آنان در هریک از ابعاد و جریان‌ات تاریخی؛ و نگرش به مسئله تحریم از بعد اقتصادی تا تهاجم فرهنگی و هویت دینی و ملی.

در کنار مسائل گفته شده باید افزود که چون جریان تحریم، برآمده از تفکر اصیل اجتهاد در تشیع است و امروز هم با نوع پیچیده‌ای از تهاجم فرهنگی در کشور روبرو هستیم، این تفکر و جریان و اندیشه تاریخی می‌تواند به برخی از معیارها و ملاکهای توسعه در جامعه امروز ما با نوعی نگرش تاریخی و سیاسی پاسخ دهد؛ هرچند بحث بر روی هر یک از ابعاد یادشده، مستلزم مجال زیاد و دقت نظر موشکافانه و وسیع است، موضوعات و عناوین فوق را می‌توان در قالب چندین بحث تاریخی و فکری مورد تدقیق و تأمل قرار داد و بطور موجز نتایجی درخور فهم تاریخی و سیاسی و فکری از آن مباحث اخذ کرد؛

### ۱. کالبدشناسی زمانی حرکت و قیام تحریم دخانیه (کمی و کیفی)

قیام تحریم تنباکو و قبل از آن انعقاد قرارداد رژی باید از نظر فاصله و مدت زمانی، کوتاه‌مدت تلقی

## — جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ◇

شود. به نظر می‌رسد سه مرحله و مقطع زمانی را می‌توان در تقسیم‌بندی این واقعه مهم تاریخی ثبت و مجزا کرد:

مرحله اول: از زمان اجرای قرارداد تا صدور حکم میرزای شیرازی. این مرحله از رجب ۱۳۰۸ ق شروع شد و تا روز اول جمادی‌الاول یعنی تا ۹ ماه بعد ادامه یافت. در این مدت، کمپانی و حدود یک‌هزار و پانصد نفر از اجزای آن در تهران و شهرستانها جهت تثبیت امر قرارداد و بسط فعالیت رژی، بسیار کوشیدند.

مرحله دوم: از اول جمادی‌الاول تا بیستم جمادی‌الثانی؛ یعنی صدور حکم تحریم و ابقای حکم در طول پنجاه روز است. در این پنجاه روز، نوعی انقلاب آرام (و البته در تهران خونین) بجریان افتاد. مرحله سوم: از بیستم جمادی‌الثانی تا ۴ ماه بعد؛ که حکم تحریم، نامه‌نگاریها و مسائل لغو قرارداد و تبعات بعدی آن در جریان بوده و سرانجام به لغو قرارداد منتهی شده است.

با توجه به سه مرحله مزبور، کل واقعه رژی نزدیک به یکسال در جریان و کشمکش و تب و تاب بوده که از این یکسال، حدود پنجاه روز نقطه اوج و محوری داشته است. کسانی که این امر مهم تاریخی را دنبال می‌کنند، باید در لحن تلگراف و نامه‌ها و ارتباطات دقت نظر داشته باشند و اینکه مواضع و دیدگاههای اشخاص در این سه مقطع، همگام با شدت و ضعف نهضت تغییر و تبدیل می‌یافته است؛ از این جهت، حادثه تنباکو از نظر روزشمار نیز بسیار دقیق و قابل دقت نظر تاریخی است.

### ۲. تلخی امواج فتن فرنگستان قبل از تحریم

قبل از حکم تحریم مرحوم میرزا در تاریخ اول جمادی‌الاول، فرنگی - بازار و تشبث به اطوار و آداب خارجه در بین افراد ضعیف‌الرأی و الایمان نوعی افتخار و امتیاز و تفاخر اجتماعی محسوب می‌شد. مرحوم شیخ حسن کربلایی در «رساله تاریخ دخانیه» در این باره می‌نویسد:

به تدریج مقام فرنگیان در ایران خیلی بلند و منتساب فرنگستان کلیه خیلی دلپسند افتاده و بدین وئیره هرکار فرنگی و فرنگی مآبی در ایران افزوده شد و بازار اسلام و مسلمانی را همی رونق بکاهید تا آنجا که بزرگان ایران را سازش و آمیزش با مردم فرنگستان، عظیم بسیاری از منکرات اسلامی یکسر از نظر بدر رفت، سهل است که نوبت، کم کم به معلومات وجدانیه و مسلمات فطریه رسید. الحق آنجا هم

◇ جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ———

قیامت کرد؛ چنان افعال و اطوار زشت و ناپسند فرنگیان در نظرها به زیبایی جلوه گرفت که مسلمانان- زادگان ایران، با آن وجدانهای سلیم و سلیقه مستقیم، نتایج افعال و اطوار تنگ مغزانه فرنگیان را از خود نیز به جلالت پیرایه‌ها بسته، با شوق و شرف هر چه تمامتر، شعار خود گرفته، سهل است که مایه مباهات خود دانسته، بدان قبایح نیز بر مردم مملکت افتخار و مزیت جستند و با همه این، باز هم فرنگی‌مآبی دست از مسلمانان برنگرفت تا بر طبایع ایشان نیز استیلا یافته، استعداد طبیعی مسلمانان را هم از ریشه برانداخت. (۱)

بالجمله آمیزش با فرنگی، بدین حدها نیز از مسلمانان قناعت نداشته، کار مسلمانان را به جایی رسانید که در ضمن تعریضات به علمای اسلام، افکار و خیالات فرنگستان را که جز تعمیر آخور نتواند نمود، علوم و معارف حقیقی خواندند و علوم و معارف اسلامی را که سرچشمه هر چیز و فیض و سرمایه هر سعادت و نیکبختی و سبب پیوستن به عالم قدس و سرای انس و زندگانی به حیات مقدسه عقلیه است، اوهام جزئیه گفتند و بحث و تحقیق علوم متعالیه را از مشاجرت لاطائل، و اباحت معکوس نتیجه نامیدند؛ و بالعکس، تصور گرفتن خیالات فرنگیان را خروج از تنگنای مشاعر حیوانیت به فضای واسع عالم انسانیت و اکمال غایات حرکات جوهری دانستند و اخلاق و آداب ستوده انبیا — علیهم‌السلام — را از آن رو که مبتنی بر التزامات ملیه و تفرقه داشتن مؤمن از کافر و پاک و پلید است، اخلاق سبعیه و حالات وحشیه نام نهادند و رسوم و عادات فرنگیان را چون مبتنی بر آزادی مطلق و رهایی از قید هر التزام است، حالات حمیده و اخلاق پسندیده گرفتند، و احکام و حدود شریعت الهیه را برخلاف صلاح نوع بشر دانسته، ضامن آبادی بلاد و آسایش عباد دریافتند و قوانین و نظامات فرنگستان را سراسر مطابق احکام وجدان سلیم و مستقیم یافتند و نخستین شرط آسایش عباد و آرایش بلاد شمردند. (۲)

شیخ حسن کربلایی وجود این حالات و تأثیر آن در جامعه را چنان خطرناک ارزیابی می‌کند که معتقد است اساس استقلال ایران را به مخاطره می‌اندازد و باعث طمع دول و همسایگان متجاوز می‌شود. آن مرحوم در «رساله دخانیه» می‌نویسد:

رواج فرنگی مآبی در ایران و ظهور این حال در باختگی ایرانیان، که در حقیقت کام مدعیان طمع خام ایران را شیرین‌تر از حلوا می‌نمود، همسایگان طمعکار مملکت را که تا این عهد و عصر، از این لعبت شیرین جز تلخ‌گویی و ترش‌رویی، معهود خاطر نبود، در هوس فضل‌جویی ایران، طمع بر طمع افزود. این

## — جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ◇

شد که مردمان طمعکار فرنگستان را دست حرص‌وار، از هر سو، به جانب ایران دراز شد و هرکس به هر وسیله و دستاویزی که ممکن بود، چنگ خود را به گریبان ایران درانداخت؛ از این سو، ایرانیان دل‌داده نیز این اقبال مردم فرنگستان را فوزی عظیم شمرده و مهمام امور لشکری و کشوری مملکت را بی‌هیچ اندیشه، بدیشان پراند و به تفصیلی که باخبران از اوضاع حالیه ایران را معلوم است، همه ساله، جمعی از فرنگیان خوانده و ناخوانده، به یک بهانه، خود را بر این خوان نهاد و سفره آماده ایران، حاضر ساختند و کم‌کم جمعی کثیر از فرنگیان از بلاد اسلام در بلاد مسلمانان منتشر گشتند و از روی مساعدت بزرگان مملکت در بسیاری از شعب ارباب و منافع ایرانیان بخت برگشته نیز، تصرف مداخله جستند. (۳)

شیخ حسن کربلایی گزارش خود را از سطح شهرها و روستاها بر مواردی متمرکز و صحنه‌هایی را ضبط می‌کند که از چشمانی تیزبین و فکر و دماغی حساس خبر می‌دهد. اینک به چند صحنه و تصویر از زاویه دوربین ظریف و حساس شیخ حسن توجه می‌کنیم:

هیچکس را جرأت آن نیست که به یکی از بستگان و اقوام فرنگی، نکند حرف بزند تا چه رسد به اینکه کسی بتواند به آنان در امری طرف واقع شود. برخی مردم ارادل چنان قلباً خاطرخواه فرنگی گردیده و خوش رقصی‌ها برای او دارند که بخاطر خوش آمد فرنگی، از ضررهای فاحش و خسارتهای خیلی بزرگ مسلمانان از هیچ روی باکی ندارند. خدا می‌داند که امسال این رعیت بیچاره از دست همین مسلمانان خود ما به خاطر فرنگی، چه‌ها کشیدند. (۴)

مردی را دیدم که سراپایش زیاده بر سی تومان ارزش داشت؛ با دستمال دستش، درحضور مردم، گرد و گل از کفش پای فرنگی پاک می‌کرد. گذشته از طمع اجرت و شهریه زیاد، هرکس می‌خواهد در بلدی فعال مایشاء باشد، هرگونه تعدی و هر قسم بی‌اعتدالی بکند و کسی را بر او تعرض نباشد، به یک وسیله و یا واسطه خود را دخیل کار فرنگی و منتسب به فرنگی می‌دارد. یقیناً هرگاه بر این وضع یک چندی بگذرد، بیشتر مردم به هر وسیله باشد، خواهند خود را به فرنگی بسته ولو به این خاطر که از شر مردم دیگر آسوده باشند. (۶)

مرحوم کربلایی درباره حضور عناصر و اجزای کمپانی درمجامع عمومی و نظامی و قدرت‌نمایی آنان می‌نویسد: نخست برای دروازه‌ها و کاروانسراها همه جا گماشتگان معین داشتند که اجناس دخانیه را قلیلاً و کثیراً از جایی به جایی نقل نهند و بر دکانداران نیز علاوه مأموران گذاشتند که زیاده از یک

◇ جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ———

چهار یک نیم من نفروشد و برای ضبط و نفاذ این غذغن نیز همه جا در کوچه و بازار مأموران اضافه داشته که در کمال مراقبت و مواظبت به دقت هر چه تمامتر مردمان را جستجو کنند. مأموران ارادل و اوباش نیز از هر سو برای جستجو به دنبال مردمان براه افتاده، بسیاری از مردم محترم را بی‌باکانه بدین تعرض هتک حرمت نمودند. (۷)

کربلایی در مورد حضور نشانی و علامت کمپانی در سطح شهر گزارش می‌دهد:

از جانب کمپانی، عمله جات زیادی معین شده که آنچه تنباکو ضبط کمپانی درآمده، همگی را ساییده و یک چهار یک نیم من در لفافه‌های کاغذین مانند پاره‌ای اجناس فرنگستان بسته، به نشان مخصوص کمپانی معین و ممتاز دارند. (۸)

و در تمامی ممالک محروسه که هرباب دکان که برای فروش این اجناس گشوده می‌شود هم یکساله، یک نسخه بلیت اجازه‌نامه را به ازای یک تومان باید داشته باشند و اگر بی‌اجازه‌نامه کمپانی، دکانی گشوده باشد، صاحب دکان از جانب کمپانی ممنوع و مورد سیاست خواهد بود. (۹)

و در خصوص رواج فساد و استفاده از زنان زیبا می‌نویسد:

مردان فرنگی به تازگی چندین حجره [در تیمچه‌ها و کاروانسراهای تهران] گشودند، همه دختران فرنگی نوس و زیبا را که بدان وضعهای دلکش و دلربای فرنگیان، خود را ساخته و پرداخته، اجناس عالی و فاخر خود را به وضعی هرچه دلخواه‌تر به موقع نظر حیرت تماشائیان گذاشته و ... مسلمانان دلداه را به اسم و عنوان داد و ستد از هر سو در پی تاراج عقل و دین بودند. (۱۰)

در «رساله دخانیه» از تسلط و سپس تحقیر تنباکوفروشان از سوی کمپانی و نیز از چاپ چهل هزار اجازه‌نامه از سوی کمپانی یاد می‌شود:

و نیز کمپانی امتیاز پیش از وقت مقدار چهل هزار اجازه‌نامه فرامی‌داشت که به موجب تعهد دولت برای صاحبان امتیاز، تمامی صنف تنباکو و توتون فروش کل ممالک محروسه از تاریخ آغاز کمپانی مالک نتواند شد، باید به اذن و اجازه کمپانی امتیاز مشغول حرفت فروش این اجناس باشند و در تمامی ممالک محروسه، هر باب دکان که برای فروش این اجناس گشوده می‌شود، همه یکساله یک نسخه بلیت اجازه‌نامه را به ازای یک تومان باید داشته باشد که بی‌اجازه‌نامه کمپانی دکانی گشوده باشد، صاحب دکان از جانب کمپانی ممنوع و مورد سیاست خواهد بود. (۱۱) و (۱۲)

## — جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ◇

کربلایی سپس از رسوخ عقاید و افکار غربی و بسط مراکز آموزشی آنان خبر می‌دهد و در این راه صرف مبالغ کلان مالی و جذب افراد ضعیف را نشانه‌های اولیه‌ای می‌داند که اضمحلال استقلال رادر پی داشته و این نشانه‌ها در آن زمان علنی شده بود:

دعوتگران مسیحی در کمال اقتدار و استقلال، از هر سویی پی صید مسلمانان دامها افکنده و دانه‌ها افشاندند؛ چندین کلیسا و دعوت‌خانه و معلم‌خانه بنا کردند و درباره‌ی مسلمانان محتاج و پریشان، ... مواجهه‌های گران قابلی برقرار نمودند چنانچه درباره‌ی یک نفر مسلمان که در تمامی یکماه، از تحصیل یک تومان این زمان عاجز است، از ده تومان گرفته تا پنج تومان کمتر مقرر نکردند. (۱۳)

در «رسالهٔ دخانیه» گزارشی تأثرانگیز از ایستگاه راه ماشینی حضرت عبدالعظیم (ع) هست؛ گزارشی که برای ملتی مستقل و آزاد قابل تحمل نبوده و نیست:

در ایستگاه راه ماشین شاهزاده عبدالعظیم علیه‌السلام، در محضر جمعی از مسلمانان، یک نفر فرنگی از عمله‌جات ماشین، یکی از مسلمانان را که سمت چاکری دولت را هم داشت، چنان سیلی سختی برو زد که کلاه از سر مسلمان به چندین قدم آن سو افتاد و در میان گل و لای کوچه فرو شد. فرنگی ماشینی از آن غرور که در سرداشت، در حضور همهٔ خلق، زبان به هرزه‌گویی بازگشود و گفت حالا ... به هر که می‌خواهی برو و شکایت کن. (۱۴)

مردم کشور ما کارمزد خارجی بودن را اغلب ننگ و عاری بزرگ برای خود برمی‌شمردند؛ بگذریم از انحطاط زمانه‌ای که خدمت و وابسته‌بودن به فلان سفارت اروپایی و یا بهمان کمپانی افتخار محسوب می‌شد. اما شروع این گونه اعمال و ریختن قبیح آن را باید در همین ازمانه‌ای جستجو کرد که مثل امتیاز رژی برقرار می‌شد و زشتی رفتن این گونه اعمال و قبیح را هم باید در ازمانه‌ای دید که مثل قیام تنباکو رخ داده است. تاریخ ایران، تاریخ جلو آمدن‌ها و عقب‌رفته‌های این گونه بوده است. در این خصوص، شیخ حسن کربلایی به مواردی اشاره می‌کند: [استخدام] زنان مسلمان برای خدمت‌خانه و دایگی اطفال به تطمیع شهریه؛ ... از هر گوشه و رهگذری که می‌گذشتی، زن مسلمان بود که یک و دو اطفال فرنگی را در بغل گرفته ... این جماعت مردم که تن به کار و خدمت فرنگی درمی‌دهند، البته معلوم است که پایه و مایه‌ای در دینداری ندارند. لاجرم به همین مقدار آمیزش با فرنگی، بالمره بی‌مبالات، بی‌دین و بی‌التزام به مراسم شریعت سیدالمرسلین (ص) می‌شوند... بعضی مسلمانان تاب نیاورد و به نرمی و ملایمت

◇ جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ———

نکوهش می کردند، می گفتند: عیسی به دین خود، موسی به دین خود... دیگر کسی را حد سؤال و جوابی با ایشان نبود. (۱۵)

در «رساله دخانیه»، از تسلط و به رخ کشیدن قدرت کمپانی و تظاهر به بزرگی کردن آنان از گوشه و کنار شهر خبر داده می شود و در یک مورد، از خرید ساختمانهای مرتفع، گزارشی خواندنی در آن هست: کمپانی امتیاز نیز شروع به ترتیب مقدمات کار نمود. نخست نقطه ای خیلی عمده و خیلی مرغوبی را در حوالی ارک دولت که معروف به باغ ایلخانی است، به معادل چهل و پنج هزار تومان، عین اشرفی خریده و به معادل یک صد و پنجاه هزار و چیزی علاوه تومان، عمارت عالی خیلی ممتازی بنا کرده، دورادور عمارت را سور خیلی مستحکم بسیار بلندی که مشرف و مسلط بر ارک و دولت و سایر نقاط شهر است، با گچ و آجر در قطر قریب به چهار ذرع ساخته، بطوری که این عمارت مانند کشتی زره پوش، توپ بر دورادور آن تواند گردش نمود. (۱۶)

### ۳. انتقاد مدرس از نامه سیدجمال الدین اسدآبادی

نهضت تحریم تنباکو تأثیرات شگرفی بر روی تفکرات و شخصیت سیاسی و فکری و مبارزاتی بسیاری از رجال و بزرگان اسلامی داشته است. سیدحسن مدرس، طلبه جوان و کنجکاو است که در حول و حوش مسائل قیام تحریم تنباکو در اصفهان حضور داشته و نقلهای شیرین و جالبی هم از خاطرات خود از این واقعه در زمان مزبور بیان کرده است. (۱۷)

به دنبال قیام تحریم تنباکو و پیروزیهای به دست آمده، مدرس به عتبات عالیات می رود و به خدمت میرزای شیرازی می رسد. سید ملاقات خود را چنین گزارش می کند: وقتی به نجف رفتم و در سرمن رأی خدمت میرزا که عظمت فوق تصور داشت، رسیدم، داستان پیروزی واقعه دخانیه را برایش تعریف نمودم. آن مرد بزرگ آثار تفکر و نگرانی در چهره اش پیدا شد و دیده اش پر از اشک گردید. علت را پرسیدم؟ فرمود: حالا حکومتهای قاهره فهمیدند قدرت اصلی یک ملت و نقطه تحرک شیعیان کجاست. حالا تصمیم می گیرند این نقطه و این مرکز ثقل را نابود کنند. نگرانی من از آینده است. (۱۸)

نهضت تحریم تنباکو به قول مدرس در سن غرورانگیز جوانی او بیشترین تأثیر را بر وی داشته و مسیر مبارزاتی و فکری آینده وی را جهت و سامان داده است. به گفته وی «اگر در آن سن غرورانگیز



## — جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ◇

جوانی با نهضت تنباکو مواجه نمی‌شدم، این میل در درونم دیرتر بیدار می‌شد و بسیاری از موقعیت‌ها را از دست می‌دادم.» (۱۹) و (۲۰)

در همان زمانی که طلبه کنجکاو و جوان اصفهانی می‌خواهد خود را در گرما ما گرم مبارزات تنباکو پیدا کند، مبارزی باتجربه و خسته از مسافرت‌های ممتد و بی‌وقفه هم واقعه دخانیه را تعقیب می‌کند؛ او سیدجمال‌الدین اسدآبادی، مرد ناآرامی است که نامش چندین دهه بر سر زبانهاست، بخاطر دو نامه مهم تاریخی که خدمت رهبر شیعیان نوشته است، نامش در این واقعه کم و بیش مطرح می‌شود. در خصوص تأثیر این نامه بر جامعه وقت گرچه برخی مورخان به غلط غلو کرده‌اند و مطالبی را نقل می‌کنند که از وقایع تاریخی و روح حقیقت دور است، آنچه در این قسمت برای ما مهم است و بر روی آن تأکید داریم، مراجعه دواندیشه در این باره است. به نظر راقم سطور، هر چند که سیدجمال در قیام تحریم نقش مهمی نداشته، این قیام در چند سال آخر عمر سید بسیار تأثیرگذار بوده است؛ به عبارت واضح‌تر، باید گفت قیام تنباکو بر سید بیشتر تأثیرگذار بوده است تا سید بر آن. نگرش سید نسبت به مردم و نقش مستقیم مردم در قیامها، رهبری علمای شیعه و تفاوت آنان با مفتیان سنی مذهب، جریان غرب و استعمار در کشورهای اسلامی و موارد مهم دیگر در سالهای آخر عمر سید، نوعی پختگی و تکامل را نشان می‌دهد که در دهه‌های قبلی کمتر از آن اثری می‌بینیم؛ و این مطالب بطور حتم به قیام ۱۳۰۹ ق ایران و تأثیر آن بر سید برمی‌گردد. بعد از این تمهید مختصر، به بحث اصلی خود باز می‌گردیم:

سیدجمال در نامه‌ای به میرزا، مطالبی راجع به بانک و امتیارات خارجی اظهار می‌دارد. این نامه در کتابهای تاریخی ثبت است و اغلب آن را ذکر کرده‌اند. مرحوم مدرس از لحن و مفاد این نامه انتقاد می‌کند؛ و به نظر می‌رسد که با نگاه دقیقتر به این انتقاد، دو خط و جریان فکری مبارزاتی در شیعه ترسیم می‌شود. هر چند این دو خط هر دو قابل تقدیر و هر دو در راستای نهضت‌های اسلامی و تحولات سیاسی ایران دارای ارزش است، به نظر می‌رسد اصالت یکی بیشتر از دیگری باشد. (۲۱) فراموش نکنیم که در این مقایسه، سیدجمال با استعمار و یا استبداد و یا جریانات تخریبی یادشده شک نیست که سیدجمال مهم بوده و هست؛ در این موضع، بحث نه از خائن و خادم و یا بد و خوب که بحث از اصیل و اصیلتر و خوب و خوبتر و دقیق و دقیق‌تر است.

مدرس به این قسمت نامه که مربوط به مسئله بانک و خطاب سید نسبت به میرزاست، متعرض

## ◇ جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی —

می‌شود و آن را مورد انتقاد و ارزیابی نقادانه قرار می‌دهد. او می‌نویسد:

درنامه سید به میرزا - رحمه الله علیه - قسمتی است که در مورد بانک است و به نظر نمی‌رسد که سید بانک را برای مجتهد بزرگ و پیشوای عظیم‌الشان شیعیان جهان تا این اندازه خام و بی‌محتوی معنی کند و بگوید:

«بانک، چه می‌دانی بانک چیست؟ بانک عبارت از این است که زمام ملت را یکجا به دست دشمنان

اسلام داده و مسلمانان را بنده آنها نموده و سلطنت و آقایی کفار را بر آنها بپذیرند.»

سیدجمال‌الدین یا خود اطلاعی از بانک و تعریف آن نداشته و یا خیال می‌نموده پیشوای شیعیان میرزا حسن شیرازی عالم بزرگ اسلام از کلمه فرنگی بانک تا این اندازه بی‌اطلاع است. سید اگر بجای پیشوای دین، پرتو درخشان انوار ائمه، پایتخت دیانت، زبان گویای شریعت، رئیس فرقه شیعه، پیشوای بزرگ و ... مردم ایران، ملت ایران می‌گذاشت، آن وقت نامه‌اش اعلامیه‌ای می‌شد برای آحاد مردم و هیچگونه اشکالی نداشت که بنویسد: «بانک، چه می‌دانی بانک چیست؟» و ...

آیا بیان چنین مطلبی، اهانت به ساحت پیشوای دین، پرتو و درخشان انوار ائمه و زبان گویای شریعت نیست؟ باتوجه به تفکر و سوابق مطالعاتی وسیع سیدجمال‌الدین، چنان به نظر می‌رسد که این نامه اگر همه‌اش درست و زاینده دست و قلم و فکر او باشد، بخشی از آن من جمله همین مطلب مورد اشاره محل تردید است. به هر حال اینها را باید تاریخ‌نویسان ما مورد مذاقه و غور و بررسی قرار دهند.» (۲۲)

### ۴. غلو تاریخی - سیاسی در مورد تأثیر نامه سیدجمال‌الدین به میرزای شیرازی

از جمله مواردی که در نهضت تحریم تنباکو یا به اجمال و یا به صورت غیردقیق بدان اشاره می‌شود، نامه اول مرحوم سیدجمال‌الدین اسدآبادی به آیت‌الله میرزاحسن شیرازی است. صرف نظر از محتوای نامه که نوعی بحث درباره اندیشه سیاسی سید را می‌طلبد، بحث ما بر روی تأثیر تاریخی این نامه است. در این مورد مناسب است دیدگاه خود را مطرح کنیم:

**اول:** سیدجمال‌الدین از تأثیرات بین‌المللی و ارزشهای مبارزاتی فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده است. اندیشه و مبارزات او نه تنها در زمان حیاتش، بلکه در دهه‌های بعد و حتی تا به امروز تأثیرگذار و بحث‌انگیز و

حتی محوری بوده است.

**دوم:** زمانی که سیدجمال‌الدین را در مبارزه و ستیز ویا ارتباط با دربارها، سلاطین، رجال، غریبه‌ها و یا نویسندگان و روشنفکران بررسی می‌کنیم، برجستگی شخصیت و یا فکر و مبارزات سید در این مورد، قابل تقدیر و به نحوی برجسته و درخشان است که خواننده و محقق این مقاطع و محورها را بی‌اختیار مجذوب می‌کند.

اما بحث در اینجا، تأثیر نامه سیدجمال‌الدین بر روی شخصیت عظیمی مانند نایب‌الامام میرزای شیرازی - مجدد مذهب در قرن چهاردهم - است؛ و به همین دلیل به نظر می‌رسد مطلب را باید با احتیاط دنبال کرد. کسانی که در بحث سیدجمال‌شناسی به دنبال اثبات این تأثیر بوده و هستند، در سطح تحلیلهای مختلف و طیفهای گوناگون، با اهدافی متفاوت این مطلب را در تاریخ مطرح می‌کنند: الف: از آنجا که تنها سرنخ دخالت مستقیم سیدجمال در قضیه تنباکو، این نامه و نامه بعدی او است، گروهی می‌خواهند در کنار سایر امتیازات سیدجمال، این افتخار تاریخی را هم برای وی به اثبات برسانند. (۲۳)

ب: گروهی دیگر به دنبال این نکته هستند که افتخار بزرگ تحریم تنباکو را به بیرون از حوزه مرجعیت شیعه انتقال بدهند و اصولاً پایگاه عظیم مرجعیت را فاقد درک سیاسی و بینش خودجوش در شناخت استعمار و غرب معرفی کنند؛ و لذا نامه سیدجمال‌الدین را بهترین سند برای اثبات این موضوع مطرح می‌کنند که این حرکت افتخارآمیز هم تحت تأثیر حوزه‌های فکری بیرون از مرجعیت و اجتهاد بوده است.

پ: سیدجمال‌الدینی که مورد نظر برخی از این گروه‌ها و جریان‌ات فکری و سیاسی است، سیدجمال‌الدینی باقرائت روشنفکرانه، مرتبط با روشنفکران و منورالفکران غربگرا و دارای جنبه‌های غیراصیل معنوی و دینی است.

**سوم:** واقعیت‌های تاریخی، جنبه خط‌دهندگی نامه سیدجمال را بر میرزای شیرازی تأیید نمی‌کند؛ چرا که قرائتی که در نامه وجود دارد، نشان می‌دهد این نامه در زمان تبعید مرحوم سیدعلی اکبر فال‌اسیری مجتهد شیرازی در توقف وی در بصره، نوشته شده و نامبرده واسطه رساندن آن به مرحوم میرزا بوده است، لذا زمان نگارش نامه در اواسط نهضت تنباکو بوده است، و این در حالی است که در نامه‌ها و

## ◇ جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ———

مکاتبات اولیه میرزای شیرازی با شاه و صدراعظم و سایر علما، مطالب مربوط به بانک و قراردادهای خارجی و نفوذ استعمار نکات فراوانی ذکر شده است و حتی درگیریهای خطه فارس در شیراز و تبعید مرحوم فال اسیری بخوبی مویب این نکته است که همه این اقوال و اعمال زمانی صورت گرفته است که نامه سیدجمال‌الدین نوشته نشده بود. قرینه دیگر درخصوص عمق تفکر مرحوم میرزا در استفاده از تفکر و سلاح تحریم، به دو سال قبل از قرارداد رژی و تحریم چای و قند روسی و فکر تحریم در نامه سؤال و جواب میرزای شیرازی و شیخ فضل‌الله نوری به سال ۱۳۰۶ق. بازمی‌گردد. (۲۴) همه این قرائن حاکی از این نکته تاریخی است که آیت‌الله میرزای شیرازی خودپایه‌گذار تفکر تحریم بوده و نقطه شروع این تفکر قبل از قیام تنباکو و نقطه اوجش در سالهای مبارزه علیه قرارداد رژی بوده است. بنابراین، نامه سیدجمال‌الدین نه خط دهنده برای القای فکر تحریم به میرزا، بلکه صرفاً می‌تواند هشدار برای وخیم شدن اوضاع ایران باشد و این نامه باید در ردیف دهه‌نامه و تلگراف دیگر از سوی علما و رجال و مصلحین بزرگ ایران خطاب به میرزا تلقی شود هرچند که نویسنده‌اش فردی نامدار و بزرگ بوده است.

**چهارم:** صرف نظر از نامه سیدجمال‌الدین به میرزای شیرازی، این واقعیت تاریخی را باید پذیرفت که مرام و مشرب و نحوه مبارزات مرحوم میرزا با مرحوم سیدجمال‌الدین متفاوت است. اصولاً خط اصلاحگری میرزای شیرازی و شاگردانش در مکتب سامرا، اصیل‌ترین و تأثیرگذارترین تفکر در نهضتها و حرکت‌های سیاسی شیعه در قرن اخیر بوده، در حالیکه تفکر و مبارزات سیدجمال‌الدین بیشتر در حوزه‌های غیرشیعی در غیر ایران مؤثر بوده است. هرچند سید در ارتباط با ایران زحمات و مجاهدات زیادی کشیده و ارتباطات و علائق بسیاری داشته، تأثیر وی در این راستا مانند جریان سامرا که به هر حال از موضع و جایگاه اجتهاد و مرجعیت بوده، نبوده است.

**پنجم:** جنبه ضداستبدادی فکر سیاسی سیدجمال‌الدین در حول و حوش قیام تحریم تنباکو قویتر از جنبه ضداستعماری بوده است. برای سید حتی سرنگونی ناصرالدین شاه بدون مسئله جایگزینی جدی آن مطرح بوده است (۲۵) و این نکته در مجموع تفکر دو نامه سیدجمال‌الدین به میرزای شیرازی بوضوح معلوم است در حالیکه تفکر رهبریت میرزای شیرازی در جنبش تنباکو، جنبه ضداستعماری قویتر از جنبه ضد استبدادی بوده، لذا «قطع ید فرنگی» به تعبیر میرزای شیرازی مسئله اصلی و فوری و نقطه ثقل حرکت تحریم بوده که تبعات آن بطور قطع استبداد را هم در ایران به زیر سؤال برده و در انظار خوار و

## — جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ◇

خفیف می‌کرده است. در فکر سیاسی میرزا، استبداد ایران در زمان قرارداد رژی، استبداد وابسته به استعمار و غرب بوده است و لذا قطع یکی، قطع و تضعیف دیگری را هم در پی می‌داشت. در حقیقت ریشه استبداد با حرکت تحریم خشکانده شد و به تعبیر مرحوم مدرس اساس و پایه هر قدرتی باید در قلوب مردم ریشه داشته باشد؛ وقتی این ریشه آسیب دید، دیگر کسی نمی‌تواند جوانه‌ای به درخت استبداد ببیند. (۲۶)

لذا با توجه به دیدگاه فوق، مرحوم میرزا به ریشه استبداد که یک قسمتش مرتبط به استعمار غرب بود و یک سهمش ریشه در قلوب و باور مردم داشت، آسیب جدی رساند. اینکه باید منتظر می‌شد تا این باور و کشت تازه در مزرعه روحانیت و وجدان ملی جوانه زند؛ جوانه‌ای که پانزده سال بعد در انقلاب مشروطیت بخوبی سبزشد و نظام سلطنتی خودکامه را در ایران زیر سؤال برد. (۲۷)

ششم: نویسندگان و مورخینی که از متن واقعه دخانیه و حوزه مرجعیت گزارش داده‌اند، یا به نامه سیدجمال‌الدین اشاره‌ای نکرده و یا اینکه تأثیر آن را جزئی شمرده‌اند؛ به عنوان مثال، مرحوم سیدمحمسن امین در اعیان‌الشیعه معتقد است که این نامه نمی‌توانسته است در نفس عظیم میرزا مؤثر بوده باشد:

حقیقت این است که میرزای شیرازی، هنگامی که از ماهیت امتیاز واگذار شده به انگلستان باخبر شد، پیش از آنکه نامه سیدجمال به دست وی رسیده باشد، فتوای تحریم تنباکو را صادر کرده بود؛ بنابراین، نامه سیدمحرک میرزا در صدور حکم نبوده است و بر فرض که نامه پیش از صدور حکم رسیده باشد، اگر میرزا، خود از احساس دینی بزرگی برخوردار نبود، نامه سید به هیچ وجه نمی‌توانست در او تأثیر کند و او را به صدور فتوا وادارد. اساساً مردم زمانی که به شخصی تمایل پیدا می‌کنند، هر واقعه‌ای را در عالم به او نسبت می‌دهند. (۲۸) و نویسنده معتبرترین کتاب تاریخ دخانیه، یعنی شیخ حسن کربلایی، حتی اشاره‌ای هم به این نامه ندارد. به نظر می‌رسد بحث از تأثیر این نامه به دهه‌های بعد از قیام تنباکو مربوط بوده و بیشتر از سوی مریدان و پیروان و هواداران سرسخت سیدجمال‌الدین عنوان شده باشد.

— میرزای شیرازی: «من نمی‌توانم کباده آقا سید جمال‌الدین را به دوش بکشم.»

خلاصه، شاید بتوان مجموعه عناوین گفته شده و تفکیک ظریف و دقیق بین این دو تفکر بارزش و تاریخی را از زبان خود میرزای شیرازی نقل کرد. مرحوم آیت‌الله میرزا حسین نائینی در این باره مطلب

## ◇ جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی —

مهمی را عنوان می‌کنند. این مطلب را مرحوم آیت‌الله محمدحسین همدانی که از شاگردان میرزای نائینی است، چنین نقل می‌کند:

مرحوم آیت‌الله نائینی بنا داشتند برای فریضه ظهر و عصر، حدود یک ربع ساعت که به اذان مانده، بر روی سجاده بنشینند و حالت انتظار داشته باشند، تا اذان بگویند و ایشان مشغول نماز شوند. یک روز که ایشان در این حالت منتظر اذان بودند، من درون اتاقها، لابلای کتابها، چشمم به یک پاکت نامه افتاد. خط آن را خیلی شبیه خط مرحوم سیدجمال‌الدین اسدآبادی یافتم. خدمت مرحوم آیت‌الله نائینی عرض کردم: «آقا! این خط آقا سیدجمال‌الدین نیست؟» ایشان فرمودند: «چرا» عرض کردم: «چطور؟ این نامه از کجا؟» ایشان فرمودند: «مرحوم سیدجمال‌الدین اسدآبادی، آن زمان که من در اصفهان بودم، با من رابطه بسیار صمیم و گرم داشت و با من رفت و آمد می‌فرمود. سامرا هم که آمدم، هر یکی دو سال می‌آمدند؛ از جمله در سنه ۱۳۰۹، که مصادف بود با دوران تحریم تنباکو، مرحوم سیدجمال‌الدین تشریف آوردند سامرا، حجره من هم آمدند. چند دقیقه به احوالپرسی گذشت و ایشان تشریف بردند. بعد از حدود ۵ دقیقه بازگشتند و فرمودند: من تصمیم دارم نیم ساعت با آیت‌الله العظمی میرزای شیرازی، بطور خصوصی ملاقات کنم. از هر کس پرسیدم، شما را نشان دادند که واسطه شوید. حالا آمده‌ام از شما خواهش کنم از ایشان درخواست کنید که من نیم ساعت ایشان را تنها ببینم. عرض کردم: اشکالی ندارد. رفتم خدمت آیت‌الله العظمی میرزای شیرازی. به ایشان عرض کردم: به این جهت مزاحم شدم که عرض کنم آقا سیدجمال‌الدین اسدآبادی تقاضا دارند خدمت شما برسند و بطور خصوصی، نیم ساعت، شما را ملاقات کنند. ایشان بعد از مقداری تأمل فرمودند: به آقا سیدجمال‌الدین بفرمائید: مرقومه شما می‌رسد و من هم به مقدار مقتضی با شما مساعدت می‌کنم. بعد ایشان به من فرمود: من نمی‌توانم کباده آقا سیدجمال‌الدین را بدوش بکشم. ایشان اگر دستش به من برسد، توقعات زیادی دارد که من نمی‌توانم و نباید همه آن را انجام دهم.» (۳۹)

### ۵. ترویج سکولاریسم و لائیزم توسط روزنامه اختر در زمان نهضت تحریم

در تاریخ نگاریها و نوشتارهای یکصد سال اخیر وقتی به موضوع مربوط به مطبوعات و جراید بظاهر ضد استبدادی دوران قاجار که عمدتاً در خارج ایران منتشر می‌شده‌اند، نظر افکنده شود، این نکته دریافت

## — جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ◇

می‌شود که معمولاً، با یک نظر کلی و گاه ذکر چند جمله اغراق‌آمیز و تمجیدگونه از مبارزات آن نشریات بدون واریسی دقیق فکری، با دیدگاهی صرفاً مثبت از کنار آنان گذشته و آنان را در وجدان ملی و عمومی به صورت قهرمانان گناه گمنام و گناه غیرگمنام می‌ستوده‌اند. به نظر می‌رسد برخی از این مطبوعات نه تنها دارای اعوجاجات فکری و ذهنی بسیار بارزی بوده، بلکه در همان ادعای ضداستبدادی بودن هم باید به نظر تردید در آنها نگریست. البته مخالفت با قاجار و فساد حکومت در برخی از آنان، بسته به میزان ارتباطشان با دربار و بهره‌مند شدن یا نشدن از این شرکت سهامی بوده است. لحن و موضع‌گیریهایی این مطبوعات هم باید از این زاویه پیگیری و دنبال شود. از این جهت به نظر می‌رسد دو جریده قانون و اختر بیشتر با مقدمه گفته شده مرتبط باشند. این موضوع در قیام تحریم تنباکو کاملاً مشهود و قابل تحقیق است که در جای خود بر روی آن بحث می‌کنیم.

در این قسمت، به بحث پیرامون مقاله جریده اختر در حول و حوش قیام تحریم تنباکو می‌پردازیم: این مقاله با نام «لزوم تشکیل انجمن دانش»، به نوعی جدی به مبارزه با مذهب می‌پردازد. در این مقاله نه تنها نگرش نسبت به غرب و تجدد و ترقی از دیدگاه منورالفکران سده قبل بخوبی ترسیم می‌شود، بلکه سطحی‌اندیش فکری و ذهنیت متناقض آنان بروشنی نشان داده می‌شود. عدم شناخت از فرهنگ دینی، روحیات ملی و عوامل اعتلای جامعه ایران، به عنوان یکی از سرنخهای تاریخی این گونه اندیشه‌ها، بخوبی در این مقاله قابل تحقیق و بررسی است. مرحوم شیخ حسن کربلایی در «رساله دخانیه» وقتی می‌خواهد از مسموم و مخدوش بودن فضای انحطاط جامعه اهل قلم ایران قبل از حکم تحریم نشانی بیاورد، بدرستی بر روی این مقاله انگشت می‌گذارد و آن را به نقد و ارزیابی اندیشمندان می‌کشد. شیخ حسن نه تنها به نویسنده مقاله، که به مدیر جریده اختر نیز متعرض و مسئولیت وی را در چاپ این مقاله یادآور می‌شود و این مقاله را به قول خودش «دزد بیرونی» می‌داند که «نباید و نشاید از اهل ملت اسلامش خواند».

در این قسمت، ابتدا به ذکر قسمت‌های مهم این مقاله پرداخته و سپس به نقد و تحلیل نویسنده «رساله تاریخ دخانیه» در اثرات تخریبی مقاله اشارت می‌کنیم. نکته دیگر که جا دارد بدان پردازیم، این است که از زمان ورود منورالفکری به این کشور هر جا که پای تعرض به شریعت و شرایع آسمانی و مقدسات مطرح بوده است، حتماً باید یک نام دانش و علم هم جاشنی کار باشد. مقاله «لزوم تشکیل

انجمن دانش» هم از این عنوان بی‌بهره نیست و نشان‌گویایی است از این مطلب:

آی از فنون جدیدالاختراع علم سودمند طبیعت، روی‌گردان و گریخته و به دامن پوسیده علم بی- نتیجه شریعت کهنه هزارواندساله سخت درآویخته! آخر تا به کی از مستی حق‌پرستی هشیار و تا به چند از خواب خرگوشی غفلت و بی‌هوشی از لذایذ شهوت‌پرستی و دنیاپرستی بیدار نخواهید شد؟! آخر مگر نه هزار و اند سال است پیشوایان ملت و پیروان والاهمت، همت گماشته و به کمال سعی و کوشش، تمامی عمر عزیزشان را در تکمیل علوم و معارف این شریعت مصروت داشته‌اند و هنوز تاکنون دیده و شنیده نشده است که در ضمن این مقوله علم و آگاهی، یک آلت جزئی بی‌قابلیت چون شاخه کبریتی ساخته شده باشد، تا چه رسد به اختراع آلات و ادوات بسیار عمده جلیل‌الخطر عظیم‌القدر محیرالعقول که هیئت جمعیت انسانی را در سهولت و رفاه عشرت و کامرانی به کار است. آخر ای صاحبان شعور ادراک! اشهدکم بالله، انصاف می‌طلبم، مگر نه همگی شما را از خرد و بزرگ به‌عیان مشهوراست که همسایگان وطن شما را از علوم و معارف شریعت شما بکلی بیگانگانند، از میامن علوم طبیعت، عموم دولت و ملتشان تا چه حد پایه از فنون گوناگون شهوات و لذاتی که هیچ چشمتان ندیده و گوشتان نشنیده و هیچ بخاطر یکی‌تان خطور نکرده، سالیان درازی است کامیاب و بهره‌مندند؛ و بالعکس، شماها در این کنج بیغول‌های عتبات و غیر عتبات، به گوشه فراغتی و توشه فناعتی، آن هم اگر دست دهد، ساخته و به پاره خیالات سودای و اوهام مالیخولیایی، طبع لطیف را به هیچ قانع و نفس شریف را نقد از خطوط و لذایذ زندگانی مانع و به وعده‌های نسبه یوم‌المعاد خاطر مبارک خودتان را به بدینگونه ریشخند دل را خرم و خرسند داشته، عمر گرانبهای خودتان را به تحقیق حلال و حرام آیین بی‌رنگ و رونق اسلام به باد هد می‌دارید، سهل است که به اقتضای سختدلی و رقت بگرفتن و زمخت طبیعی و شفقت نیابردن بر فقر و مسکنت و ذل و مهانت ملت و دولت خود در برابر این همه غنا و ثروت ملت‌ها و قوت و شوکت دولت‌ها در روی کره زمین عموم بیچارگان ابنای وطن را هم که گرویدگان دین و از روی سفاهت و جهالتشان، حسن ظن به گفتار شماها دارند، به سبب فریب دادن و ترغیب فرمودنشان بدین وضع، و خواندن به معارف و اخلاق و ادب این شریعت که برآستی سراسر موجب کمال توحش و حرمان از سعادت مدنیت و سبب عمده کسالت و اهمال در کارسازی و اسباب آرایش خود و آرایش مملکت است، عمر عزیز و گرانبهایشان را تباه و روزگار زندگی‌شان را سیاه داشته و دارید. و هرچند ناصح شفوق راحت



— جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ◇

دوست رفاه‌پرست فریاد می‌کند که ای گروه سفاهت انبوه بخت برگشته، و ای علمای ضعیف‌العقل سخیف‌الرأی سعادت کشته! تا چند از «حلال محمد (صلی الله علیه و آله) حلال الی یوم‌القیامه و حرام محمد حرام الی یوم‌القیامه» بحث و تحقیق می‌کنید؟!

بلی، حلال آن سرور حلال و حرامش حرام، ولی در آن عهد و عصر بود که اختر اقبال دینش از برج سعادت و اوج استقامت رخ می‌نمود و نیز قوت و شوکت آیینش پرتوافکن به تمامی جهان بود. و اما در چنین عصر و زمان که مشاهد و محسوس هر دانا و نادان است که آیین اسلام را نجم‌غرور و اقبال دمی دم (دمادم) رو به انحطاط و به زوال است، وضع روزگار اقتضا ندارد که دیگر پیروی چنین آیین بی‌رونق و رواجی کنید، چرا که به حکم تجربت پیران آزموده‌کار، پیرامون چنین عادت و آیین‌دار انجام روزگار به هزار رنج و محنت و ذل مهانت خواهد کشید.

پس ای علمای ملت و ای بزرگوار با فتون (قوت) و غیرت که امروزه (هر روزه) زمام و ضمان سعادت و نیکبختی بیچارگان ابنای ملت و دولت خود رقت‌گیرید و شفقت آرید و بیش از مسکنت و بیچارگی وطن و ابنای وطن و شکست و سرافکنندگی دولت و ملت خود را در برابر غنا و ثروت و شوکت و سرافرازی ملت و دولتهای بیگانه طالب نباشید.

آخر بیا به دور تو گردم! تعصب از دین است. نمی‌گویم دفعه تا بر طبع نازکتان دشوار و ناگوار آید و سخت سنگین افتد؛ بل می‌گویم خرده خرده بطوری که به شرف و شأنتان برنخورده، به رسم و آیین متمدنه روی زمین که امروزه نیر نیکبختی و سعادت در آفاق آنان ضیاء پاش است، گرایید و از وضع و روش و رفتار سودمند و نتیجه‌دار آن نیکبخت مردمان که سراسر موافق احکام وجدان سلیم است و سلیقه مستقیم، نقشه‌گیرید تا نیز شما مانند آنان نیکبخت و شرفیاب سعادت‌مند و کامیاب گردید و از افکار عالی و مطالب جلیله مدنیّه و نوعیه این با خردان که مدار شریعت الهیه بر آن است، پیروی نمایید و از انوار علوم و معارف حقیقی این دانشمندان استفاده و استضاءه نمایید که هم خود رخشان و فروزان باشید و هم مانند نیر عالم‌تاب بر انفس آفاق، ضیاء پاشید تا به میامن مقام بلند و نتایج سودمند این مقوله علم و آگاهی بتوانید ساحت سرای وطن گرامی خودتان — خطه ایران — که هزار و اندی است به سبب بی‌تربیتی اهلس ویران و غولستان و به حکم ویرانی مرز و بومش، مسکن و منزلگاه هر بوم شوم است، از فساد بی‌نظمی این دیرین، پیراسته و به صلاح نظم و نسق قانون کافی وافی مرتب منظمی که

## ◇ جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ———

نخستین اسباب ترقیات مملکت است، آراسته دارید؛ و برادران گرامی خودتان را که ذوات مکرم انبای وطنند، به اخلاق و آداب ستوده و پسندیده این چنین قانون قویم و مستقیم و به فنون سودمند این علم و معارف حقیقی پرورش داده و تربیت کنید که به یمن سعادت این مقوله، ترقی و تربیت از تنگنای رسوم و عادات و قیود و تکلفات این ملت و شریعت که سبب عمده و منشاء اصلی این حالت رذیله و حیات دانیة وحشی بودن سریر، که درد بی‌درمان ما ایرانیان است، بالمره جسته و و رسته و به فضای واسع عالم حریت و آزادی که فنون گوناگون لذت و شهوت و آرزو و آمال، مالمال است، پیوسته نیکبخت و شرفیاب سعادت‌مند و کامیاب، با رفاه حال و راحت خاطر زیست و زندگی نماییم و بدین و تیره، رفته رفته مانند سعادت‌مندان همسایه در اندک زمانی کار این خانه زندگی خود و برداران بی‌ساز و سامان خودتان را ساز کرده، نقایص امور ملکی و نوعی تان، تماماً به اصلاح آید؛ بلاد، و آرایش عباد، آزادی و آسایش یافته، از حسیض خاک فقر و فلاکت به ذروة (۳۰) سماک (۳۱) ثروت و مکتب رسیده، آنگاه با دل درست و خاطر جمع دوباره اگر بخواهند به سر بحث و تحقیق علوم و معارف آیین نخستین خودتان معادوت نمایند، یقیناً کسی راه شما را نخواهد بست. (۳۲)

این خلاصه اعتراض و جان مطلب مقاله‌پرداز است که از سرپای مقالاتش، هر زبان فهم لغت‌دانی بخوبی دریافت خواهد نمود. حالا خود شما که منشی محترم «اختر» ید، مجدداً مراجعه (فرمایید) و مصدق باشید؛ بالله علیکم، انصاف دهید، می‌تواند شد صاحب چنین مقاله، از اهل اسلام باشد؟ بلکه آیا می‌توان گفت چنین قائلی ملی است، به ملت و آیین پی برده و به پیغمبر و کتابی سرسپرده است؟ حاشا ثم حاشا! «کافر من اگر او دیندار است». شاهد دیگر بر این مدعایم اینکه مقاله‌پرداز مؤمی الیه، از اینکه در مقام اظهار آرزوی فراهم شدن اسباب آرایش دولت و مملکت و افزایش غنا و ثروت مردمان ملت، روی سخن را با علمای اسلام کرده و در کارسازی اسباب حصول این آرزو از رأی رزین و همت عالی ایشان مدد جسته و طمع نصرت کرده است برمی‌آید، بلکه هر عامی، در بادی نظر می‌یابد که این مقاله‌پرداز، بیچاره -سبحان‌الله- با همه این لاف و گزاف از احکام ملت و رسوم شریعت اسلام، بکلی برآنی و کوهستانی است؛ می‌نماید لفظ علمای اسلام را از السنه و افواه راه گذران گرفته و تاکنون مجال پرسش معنی‌اش را نیافته است. چه اگر پرسیده و فهمیده بود، لفظ علما، یعنی دانایان و دارایان؛ و لفظ اسلام یعنی مجموع معارف و اخلاق و احکام و آدابی که کتاب آسمانی - که سبع المثانی و القرآن العظیم باشد - و سنت غراء

احمدی- صلی الله علیه و علی آله الکرام افضل الصلوة و السلام- بدان ناطق است، البته چنان ادیب و هوشمند و نکته‌پرداز هرگاه فهم این معنی می‌کرد، ناچار در این صدد برمی‌آمد که برسد و بفهمد این کتاب و سنت چیست و در نزد کیست و لاشک که پس از پی‌جویی اندک، هر قدر در فرنگی مآبی منهمک (۳۳) و دور از مطلب می‌بود، باز جسته جسته مقداری از آیات کتاب و آثار سنت گوشزد خاطرش می‌شد که بتواند مبانی ملت و مذاق و مشرب صاحب شریعت را بخوبی دریافت نماید. گو که مقاله‌پرداز مؤمی الیه را فرط انهماک در هواپرستی و دنیادوستی چونان موش کور (ویربوع بی‌نور) محروم و مهجور از تابش انوار علوم و معارف کتاب و سنت داشته؛ ولی معذالک هرگاه سعادت دیدار (هدایت آثار) کتاب مبین و تنزیل رب‌العالمین را یافته بود، باز البته او را شاهد این مقدار معنی رخ می‌نمود که منشی این کتابی که اسلامیان آسمانی‌اش می‌دانند، از آغاز تا انجام، از بدو تا ختام نظر عنایتش بر این مقصود بوده که به فنون خطابه‌های (حکمت‌آمیز) طاعت‌انگیز، تا آن حدی که نیروی بازوی خطابه‌سازی و سخن‌پردازی را یاراست، نیرنگی بکار برد که شاید میل خاطر بنی نوع بشر خیره‌چشم خودسر را از زندگانی فانی این نشأت محسوسات که لهو و لعبش نام نهاده، بلکه چندین نام و لقبش داده گردانیده (شور و شوق زندگانی جاودانی) منزلگاه دلکش و دلخواه دیگری را خاطر نشان خیالشان سازد، بطوری که در انظار هم‌میشان اهمیت، او را باشد و بس، که در تمامی حرکات و سکنات شبانه‌روزی‌شان جز رسیدن و پیوستن به اقامت‌گزینان بدان سرای زیبای پاینده، مقصد و مقصودی را منظور نظر کوشش و اهتمام ندارند و بجز تحصیل و تکمیل‌ساز و برگ آن جاوید زندگانی، همت و عزیمت به انجام دیگر مرام نگمارند. و من باب الضرورة که هم بدان پرداختن و ساز و برگ همان زندگانی ساختن امت، ترخیص داده و تجویز فرموده که به قدرالضرورة به مهم‌سازی این سرای نیز پردازند، بلکه بالاتر می‌رویم و می‌گوییم که درحقیقت هر کس، هر چند مشاعر و حواسش را غشوات ظلمانی هوا و هوس نفسانی پوشیده و پنهان دارد، همین قدر اگر بویی از رسوم این ملت و شریعت، بلکه از هر شریعت حقی به مشام ادراکش رسیده باشد، او را بخوبی آگاهی حاصل آمده است که سراپای ملت و بدو تا منتهای شریعت، بالمثل داستان مرد دو زن‌دار (دو زنه) است که مردش انسان بیچاره باشد و آن دو ضربه (۳۲) شدیدالغیره، دنیا و آخرت، و مقوله ملت بالمثل تدبیر است، سودمند حکیم، دانشمندی است که به اقتضای غیرت، هم جنسی و سنخ‌پرستی، در برابر یار و طرفدار کهین ضره که ابلیس رجیم باشد به طرف‌گیری مهین ضره

## ◇ جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ———

برخاسته، عزیمت و همت را سخت بدان گماشته که از هیچ رهگذر نیندیشد و با جد و جهد کافی و سعی و اهتمام وافی تا به حال کوشد که شاید بتواند علاقه خاطر مرد انسان را از کهمین ضربه زشت به سرشت غدار (ناپایدار) دنیا بالمره گسسته و به مهین ضربه زیبای زیننده و دلربای پاینده آخرت، سخت بسته و پیوسته دارد. بنابراین مراتب که شرح آمد، پس هرگاه مفروض داریم که مقاله پرداز مؤمی الیه را فهم معنی و مقوله ملت حاصل باشد و فهم اینکه علمای ملت، یعنی وکلای آن چنان شخص حکیم که بالطبع آرزومند نفوذ کلمه و پیشرفت کار متبوع و صاحب کار خودند، دیگر هیچ هوشمند عاقلی را مجال این احتمال نباشد که بگوید که از چنین آبرومند هنرپیشه که لاف عقل و فضل می‌زند، ممکن تواند بود که به آرزوی فراهم شدن اسباب تحصیل و تکمیل آرایش و جلوه‌گری کهمین صره در حضرت علمای ملت که به اقتضای هواخواهی و طرفداری مهین ضربه شدیدالغیره به اصرار هرچه تمامتر مغل و مانع از حصول این گونه هوس و آرزومند چنین شخص آبرومند، داد وقاحت و قباح و سخت‌روی و بیهوده‌گویی را داده، از علمای ملت در این خصوص، یاری و مددکاری طلب و توقع کند.

زهی دماغ مختط، زهی تفکر دور      زهی تصور باطل زهی خیال محال

پس به فضل خداوند روشن و آشکار شد که مقاله‌پرداز مؤمی الیه که بدین تأکید و اصرار از علمای عظام و حجج اسلام، در انجام چنین خیال خام، طمع نصرت کرده است؛ هر کس است، دزد بیرونی است، نباید و نشاید از اهل ملت اسلامش خواند. اگرچه در این مقام نکته‌ای بخاطرم رسید، حقیقت سالها است متحیر و متعجبم در اینکه قوم بنی‌اسرائیل بعد از همه آن تفصیل دعوت‌های حضرت موسی علیه‌السلام که خلق را به یگانه‌پرستی می‌خواند، و همه آن هنگامه‌ها، خصوصاً آن هنگامه واپسین فلق بحر که تا قیامت، حیرت‌افزای عقول عالمیان است، آن قوم همه آن تفصیل را بالعیان مشاهده داشته بعد اللتیا و التی، چگونه و به چه خیال در حضرت چون موسی علیه‌السلام حقیقت قصه اینکه ثروت و مکننت امم متمدنه، وو وضع و روش و رفتار آنان، در دل و دیده مقاله‌پرداز مؤمی الیه، و هم خیالاتش تا بدین پایه متوقع گرفته که مؤمی الیه دل قوی داشته، در حضرت علمای ملت به جسارت گذاشته، علمای اسلام را حث و تحریص و بعث و تحریک بر پیروی کفار و نقشه‌گیری از وضع و روش و رفتار و منش و هنجار آنان دارد، همانا چون این قصه را بدین تفصیل با داستان قوم بنی‌اسرائیل و موقع گرفتن صنم‌پرستی مردمان، با ساز و سامان در دل و دیده اسرائیلیان بی‌خانمان و آن دل قوی گرفتن و در حضرت چون

— جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ◇

موسی علیه‌السلام پیغمبر، جسارت آوردن و «یا موسی اجعل لنا الهماً كما لهم الهمة» گفتن، این دو قصه را بدین تفصیل چون در محضر انصاف و حقیقت رسی، سراسر برابر گذراند، سرمویی تفاوت نخواهند دید، خذوا النعل بالنعل و القذة بالقذة.

ولی این قصه از مقاله‌پرداز مؤمی‌الیه که پرورش‌یافته دامن فرنگستان است و تربیت گرفته دارالفنون، مگر عجیبی نیست و شگفتی ندارد؟! او به وظیفه خود عمل کرده و ما نیز بر او اعتراض نداریم؛ بلی یک کلمه حرفی که بر او داریم، این کلمه می‌گوییم: «ای همت پس نخورده مست!» این یک چند کلمه الفاظ و اصطلاحات خالی که اقتضای این رعد و برق و باد و نور و عربده‌جویی و بیهوده‌گویی ندارد! باده دردآلوده است مجنون کند صافی ار باشد ندانم چون کند

بلی؛ گوهر ذات تو را قابلیت و ظرف استعداد تو را وسعت بیش از این نبود که از این علوم ابتدائیه الفاظ و اصطلاحات چندی طوطی‌وار گرفته که به هنگام اظهار وقاحت و قباح و افادتهای جنب مربوط و نامربوط و موقع بیانش نیست که شاید به خواست خدا موقع بیانش برسد و دیگر گفتنی‌ها هم گفته و پرده از روی کار، رفته شود، درهم یافته که بدین وسیله راه به مقاصد فاسد خود یافته باشی؛ شکر خدا را که گوهر ذات را قابلیت و استبداد لباب و حقایق علوم معارف کتاب و سنت نبود و نصیب نشد؛ چون تو بی انصاف کجا و سعادت آبشخورهای صافی کجا؟! «انزل علينا مائدة من السماء فسالت اودیة بقدرها.» (۳۳)

خانه جهل خراب و گرنه مرد دانشمند، این گونه ترهاتی را که مایه تمسخر و ریشخند در حضرت ناقدان بصیر و ناظران خبیر، عرض و اظهار نتوانند داد «العقل لا یبالغ فی الضیاح نقصه فتضاح نفسه» همه از آن است که مایه خود و پایه مردم را نشناختی و گرنه بدینگونه خطابه‌بافی‌های واهی که سراسر از تنک مغزی و سبک عقلی بافنده آگاهی می‌دهد، پایه خود را بر دانشمندان جهان آشکار نمی ساخت.

چرا ساکت نمانی چون ندانی برهنه چون کنی عورت به بازار

غرض روی اعتراضی با مقاله‌پرداز بی‌انصاف نداریم و گرنه کسی بیاید که آن هر دو به زندان برد؛ بلی، روی کلمه و توقع ما با شخص خردمند شما است که منشی محترم «اختر» ید که چون شما شخص ادیب فرید فرزانه که هر روزه الحق، نه تنها مایه مباهات ایرانیان و اسلامیان، بلکه مایه مباهات تمام ادیبان جهان است.

## ◇ جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی —

با اینکه مقصد و مقصود چنین کینه‌کیش بداندیش، بر شما پوشیده نتواند بود، چه هر سخندان هوشمندی، پس از پرده‌پوشی و اغماض از مراتب معروضه البته از اعتراف به این مقدار ناگزیر است، که محض قصد و غرض مقاله‌پرداز مؤمی‌الیه از این بیهوده‌گوییهای لاطائل تنها اظهار فضیلت و خودنمایی است که به اقتضای جاه‌طلبی و شهرت‌دوستی و کینه‌کشی و بداندیشی با نیکان حق‌پرست، خواسته با روی سخت و دل زمخت، داد وقاحت و قباحث را داده، او در شط‌گویی و غلط‌پویی درآمده، خود را با این پایه پست و این لیاقت که هست، در برابر سلسله جلیله اهل علم آرد و الفاظ و اصطلاحات چندی که فی‌الحقیقه، حقیقت آنها را هم نیافته، در مقام جسارت و ستیزگی بدیشان، باریط و بی‌ربط با همه غلط و خبط، درهم بافت، به خیال پراختلالش که بدینگونه، تعرفات خنگ و بارد، که همانا درحقیقت، جلوه زشتان را ماند و عشوه پلشتان را، خود در نظر اعتبار جهانیان تواند آراست و به طمع خامش که شنیده «فاز بالذّه الجسور» به هوس افتاده که او را هم این ستیزگی با سلسله جلیله اهل علم که قوه ناطقه مدد از ایشان برد، شاید در انظار بزرگان جهان، جاه و مرتبتی و قدر و منزلتی حاصل آید؛ اینش جهل کسی، بدین پایه فضل نام بزرگ برد.

ای بیچاره! خاطرجمعی کاملت بدهیم که دانان شرف و شأن آحاد سلسله جلیله که چراغ ایزد افروخته است، خیلی از آن بالاتر که به گفتار ناسوده و ناسزای چون تو فرومایه بی‌انصاف گروهی بر اطراف آن نشیند، خاطر جمع.

غرض کلیه که از شخص دانشمند شما منشی محترم اختر داریم، اینکه شما امروزه پاس نام و ناموس ملت و دولت اسلام را در عهده دارید و از حال بیگانگان که دور و نزدیک نگران اسلامیان‌اند، بهتر و بیشتر از همه آگاهید چرا باید که از اهتمام در رعایت این گونه حقوق واجب‌المراعات دولت و ملت چشمپوشی نمایید. والسلام. ایام عزت مستدام باد. (۳۶)

### ۶. انحطاط سطح تحلیل در شناخت ماهیت نهضت‌های شیعه

هرچه حرکت و تحولی در تاریخ ایران ریشه‌دارتر و دارای ابعاد عمیق‌تری باشد، دیدگاه غربگرایی منورالفکران از درک آن عاجزتر است و در تحلیل آن دچار تناقض بیشتری می‌شوند. در این مورد، قیام تحریم تنباکو و ابعاد وسیع آن، از جمله مواردی است که بخوبی مؤید سخن ماست.

## — جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ◇

قیام تحریم تنباکو دارای جنبه‌هایی است که جریان سکولار و تفکر غرب‌گرای ایران نتوانسته و نمی‌توانسته است به ارزیابی صادقانه و حقیقت‌جویانه آن بنشینند. بررسی این جنبه‌ها، صرف نظر از بعد تاریخی آن، می‌تواند به نحوی ما را به نوعی «اندیشه تاریخی» و اندیشه سیاسی در موارد مطروحه رهنمون شود؛ اندیشه‌هایی که بتوان با آن به کلیاتی تحلیلی و اصولی تقریباً ثابت در تحولات سیاسی سده اخیر ایران و حتی مسائل بنیادین امروز دست یافت.

و اما مشخصه‌ها و جنبه‌های مذکور:

اول: جنبش تحریم تنباکو تقریباً در سراسر تاریخ کوتاه خود با عدم حضور عنصر روشنفکر روبرو بود؛ یعنی در هیچیک از مقاطع چندگانه آن، روشنفکران حضوری حتی در حد متوسط مردم کوچک و بازار هم نداشتند، چه رسد به سطح رهبری و یا داعیه خطدهی فکری.

دوم: رهبری بلامنازع و مسلم مرجعیت شیعه از عتبات مقدسه در حلقه ارتباطی نیرومندی با داخل کشور، سوم: قیام تحریم، اولین حرکت نیرومند مذهبی بوده است که در آغاز قرن ۱۴ هجری، به صورت یک جنبش تمام عیار ملی ظاهر شد و آحاد ملت از پایتخت تا دورافتاده‌ترین نقاط کشور در آن سهیم شدند.

چهارم: ارتباط عمیق و دارای مشروعیت ذاتی رهبری دینی اجتهاد و مرجعیت شیعی با مردم.

پنجم: جنبه فوق‌العاده بارز ضد استعماری و ضد غربی جنبش تحریم به نحوی که نه فقط سلطه غرب بلکه تفکر و نظام‌های غربی را هم زیر سؤال برده است.

ششم: جنبه وحدت ذاتی و تلازم جدی دیانت و سیاست در بطن این جنبش.

هفتم: جنبه ضد استبدادی تحریم که می‌توانست نظریه روشنفکری وحدت حکام و علما را بطور مستند بر هم زند.

هشتم: بعد ایدئولوژیک و عقیدتی نهضت تحریم که به نحو قابل توجهی با بعد معنوی و غیرمادی آن پیوند برقرار کرده بود و در یک نظام هماهنگ، به تاریخ ایران خطدهی کرده است.

نهم: در جنبش تحریم، همه عوامل تقریباً در جای خود قرار دارد و این جنبش توانسته است در زمانی کوتاه، به عالیترین اهداف ملی و اسلامی دست یابد. در این زمینه، روحانیت، مردم عادی، تجار، رعایا، افکار عمومی... بخوبی نقش خود را ایفا کرده‌اند، بی‌آنکه به عنصر روشنفکرانه‌ای نیاز باشد. (۳۷)

دهم: بُعد ضدتهاجم فرهنگی و ایدئولوژیک غرب در دل جنبش تحریم و مقابله صریح با ابعاد روانی و

فکری آن.

در مقابل این مشخصه‌ها و عوامل و ممیزات، مناسب است به تحلیل‌های منورالفکران توجه کنیم. این بخش را می‌توان به دو زیر بخش تقسیم کرد:

الف: بحث از مشخصه‌های کلی و اصول تحلیلی این تفکرات در مسئله تحریم.

ب: ذکر پاره‌ای مستندات از مواردی از نوشتارهای تاریخی و سیاسی از یکصد سال پیش تا به امروز.

درخصوص زیربخش اول می‌توان گفت دو سطح تحلیل شبهه‌انگیز ارائه می‌شود:

اول: شبهه در مسلمات تاریخی و بحث‌های تاریخ نقلی

دوم: شبهه در تاریخ تحلیلی و چونیها و چرایی‌ها و سپس خدشه در مسیر اندیشه تاریخی و اندیشه سیاسی منتج از آن.

اهم موارد فوق را فهرست‌وار در چند عنوان اشاره کنیم:

اول: در تقسیم‌بندی تحولات اصلی اجتماعی و سیاسی دوران قاجاریه، نقش نهضت تنباکو نادیده گرفته و بدان کم بها داده می‌شود و در نهایت به صورت کمرنگ مطرح می‌شود و معمولاً روشنفکران به بحث انقلاب مشروطیت رغبت بیشتری نشان می‌دهند. چون در این نوشتار بارها تأکید شده کلید فهم اصالت‌های انقلاب مشروطیت، قیام تحریم تنباکو و جریان‌سازیهایی آن بوده است، لذا طرح مشروطه بدون طرح واقعی قضیه تنباکو نشان از سردرگمی جدی در تحلیل وقایع و افکار و افق‌های مشروطیت دارد. بنابراین بسیار متفاوت است که با قیام تحریم به سراغ مشروطه که فصل نوین تاریخ ایران است، برویم و یا بدون ملاکها و اصول قیام تحریم، به بحث مشروطه بپردازیم.

دوم: در تحریف مسلمات جنبش و شبهه در اصل وقایع، موارد زیر را طرح می‌کنند:

الف: اصلاً فتوا و یا حکمی از جانب میرزای شیرازی طرح نشده است و حکمی هم که در تهران شایع شده بود، در حقیقت جعلی و به نام ایشان بوده است.

ب: قیام تحریم در نهایت در گردونه رقابت بین دو قدرت روس و انگلیس قابل طرح است و پشت صحنه وقایع و حوادث این قیام، نه مردم و نه علما، بلکه تحریک روسها در جریان بوده است!

پ: می‌نویسند که اصل قرارداد رژی، به نفع ایران بوده و از رهگذر این قرارداد، سود زیادی عاید ایران می‌شده است!



## — جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ◇

ت: در جریان تحریم، نه رهبری علما بلکه تجار بوده‌اند که خط اصلی جنبش را ارائه می‌داده‌اند و این خط دهی نه از روی شوق دینی و ملیت بلکه از روی منافع تجاری صورت می‌گرفته است.

ث: اگر به تمامی موارد بالا و یا به بخشی از آن اشاره نکنند، معتقدند این حرکت هرچند در جای خود مقید بوده، ولی این مفید بودن نه از روی آگاهی و بینش و زمانسنجی درست، بلکه صرفاً تیری بوده که در تاریکی به هدف خورده و حرکتی آنی و شتابزده و از روی هیجان و شعار صورت گرفته است. از این نظر، نهضت تحریم، همچون شهابی زودگذر آسمان ایران را روشنایی بخشیده و خیلی زود محو شده است.

ج: مسئله دیگر اینکه اگر هم موفقیتی در کار بوده نه از طرف مرجعیت دینی و خودآگاهی ملی بلکه از جانب عوامل فرعی صورت می‌گرفته، در این دیدگاه جنبش تحریم صرفاً با مثلاً یک نامه از سوی سیدجمال‌الدین خط‌دهی و جهت‌یابی می‌شده است!

سوم: بعد از شبهه کردن در مسلمات تاریخی گفته شده و موارد دیگر که ذکر شد، به بحث‌های تحلیلی‌تر و بظاهر ریشه‌ای‌تری می‌پردازند و در این سطح تحلیلیها هر چند جنبش تحریم را به عنوان یک واقعیت مسلم تاریخی می‌پذیرند، ابعاد گسترده و عمیق آن را منکر می‌شوند و با نادیده - گرفتن ایدئولوژی تحریم و منطق درونی محکم آن، صرفاً به نقل قصه‌های تاریخی می‌پردازند. در این دیدگاه، جنبش تحریم از خط‌دهی فکری و سیاسی و تاریخی محروم می‌شود و صرفاً حرکتی معمولی در کنار دهها و صدها واقعه متداول تاریخی قرار می‌گیرد.

چهارم: گروهی دیگر که گاه به حوزه ایران‌شناسان غربی و یا حتی ایران‌شناسیهای شرقی برمی‌گردد و گروهی از نظریه‌پردازان چپ و غیرچپ را هم شامل می‌شود. این گروه با وارد کردن اصطلاحات و تعابیر و تحلیلهایی مانند جنگ بورژوازی ملی و غیرملی، جنگ قدرت بین علما، سوداهای ریاست‌خواهی فلان مجتهد و بهمان تاجر، اختلاف در خود دستگاه حکومت مثلاً رقابت کامران میرزا با امین‌السلطان و ... جنگ طبقاتی شهر و روستا و غیره، به تحلیل مسائل می‌پردازند. در این سطح تحلیل، جنبش تنباکو بدون در نظر گرفتن واقعیاتش، به عنوان نمونه‌ای برای اثبات فرضیه‌های جامعه‌شناسانه و یا نظریه-پردازیهایی مارکسیستی ارتدکس و یا چپ جدید و یا حتی متجددین لیبرال قرار می‌گیرد و مطلب نه برای اثبات و روشن شدن تحلیلی حقایق آن نهضت، که اثبات مطالب سیاسی و فکری در راستای مسائل

سیاسی روز در نظر گرفته می‌شود.

پنجم: در آخرین قسمت که بین ما و برخی از تحلیلگران تاریخی و سیاسی قضیه تنباکو تفاوت وجود دارد، مسئله سطح تحلیل صرفاً مادی و غیرمعنوی است. در این قسمت، حوزه مباحث و مسائل در روابط عادی و منفعت‌جویانه آدمیان که بازیگران امیال و هوسهای خود هستند، صورت می‌گیرد و هرگونه صبغه الهی و غیبی و ماورای مادی در قضایا نفی و انکار می‌شود. شاید خواننده این بخش از بحث متعجب شود که منظور از این مبحث چیست؟ منظور و محتوای کلام ما در این قسمت این است که مقدس‌ترین مفاهیم و ارزشهای شیعی در قضیه تحریم مطرح و بکاربرده شده است؛ امامت، ولایت، مهدویت و ... و نوع تأثیر حکم بر مردم و اطاعت آنان در تبعیت، نوع روابط با مرجعیت و بسیاری از مسائل دیگر، نوعی جهش فوق‌العاده و دخالت عوامل فوق مادی را می‌رساند که محقق با دیدگاه صرفاً مادی نمی‌تواند بدانها جواب درست بدهد. ما چون در سطح تحلیلها، ایمان خود را اسیر و زندان شرایط مطلق مادی نمی‌بینیم، لذا در برخی از جریانات و حوادث (و نه همه آنها)، در کنار شرایط و عوامل مادی، به این عوامل و شرایط و علیتهای فوق مادی هم توجه داریم و لااقل جای آن را باز می‌گذاریم و سعی نمی‌کنیم با چند توجیه از کنار آن بگذریم. برای استناد بخشیدن هرچه بیشتر به عناوین گفته شده، به سراغ کتابها و نوشته‌هایی می‌رویم که به صورتهای گفته شده به تحلیل مسئله قضیه تحریم پرداخته‌اند. برای شروع، از همان زمان تنباکو و سردرگمی یکی از جراید منورالفکری یعنی جریده اختر آغاز می‌کنیم: موضع اختر در قیام تحریم به دو بخش تقسیم می‌شود: در آغاز کار رژی، مخالف قرارداد است ولی در اوج قیام مردم در کنار کمپانی و دولت قرار می‌گیرد. حدس اینکه در فاصله چند ماه چه اتفاقی افتاده است، نباید چندان مشکل باشد.

#### – موضع جریده اختر قبل از شروع حرکت مردم

در روزنامه اختر شماره ۲۱ سال هفدهم مورخ سه‌شنبه ۲۵ جمادی‌الاول ۱۳۰۸ نوشته شده است: [مستر ماژور (جرالد: تالبوت)] که صاحب امتیاز انحصار مذکور است، چند روز پیش از این وارد استانبول شده، ملاقاتی با ایشان دست داد. شخصاً مردی نیکو خصال و پسندیده اطوار است. (۳۸) مدیر روزنامه اختر، ملاقات و مصاحبه‌ای با تالبوت بعمل می‌آورد که در آن، ضمن انتقاد از امتیازنامه،

— جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ◇

در شماره ۲۳ سال هفدهم (۱۳۰۸) می‌نویسد: «باید سوخت و ساخت تا خدای خود به حال ملت ترجم فرماید.» (۳۹)

#### — موضع ثانویه در حمله به قیام مردم مشهد

در روزنامه اختر شماره ۱۱ مورخ سه‌شنبه ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۰۹ نوشته شده است: به موجب کاغذی که از مشهد نوشته‌اند، بعضی از عوام‌الناس آنجا به سبب ورود مأمورین رژی، به های و هوی برخاسته، به لوله و آشوب همداستان شده، حتی دکاکین و بازار شهر را نیز بسته بوده‌اند. ولی در ثانی به سبب اندرزهای مشفقانه و نصایح سودمند جناب مستطاب اجل اکرم آقای صاحب‌دیوان — فرمانفرمای ایالت خراسان — مردم آشوب طلب متنبه شده، هر یک به گوشه‌ای خزیده‌اند.

نویسنده بدنام دیگر تاریخ ایران، یحیی دولت‌آبادی، از عناصر سکولار و بسیار شیفته تجدد و غرب است. او در خصوص قیامت تحریم به این نتیجه می‌رسد که حاصل قیام، یگانگی دیانت و سیاست بوده و این کشور زیانبار بوده است.

به غیر از این موارد، دولت‌آبادی شبهه‌هایی هم به اصل جنبش وارد می‌کند که بطور مستند می‌خوانیم: بعد از این واقعه دخانیه و اعتبارات فوق‌العاده‌ای که از این راه در مرکز ریاست روحانی هویدا شد و روحانیون پیرو سیاست مرکز هم از آن استفاده اعتباری کردند، عموم روحانیون به استثنای وجودهای مقدس منزّه روحانی، می‌کوشند تا در سیاست مملکت دخالت نموده، از این راه بر اعتبارات خود بیفزایند، در صورتیکه امتزاج سیاست و روحانیت نه تنها دامان روحانیت را لکه‌دار بلکه اساس سیاست را هم متزلزل می‌سازد. (۴۰)

دخالت اضطراری میرزای شیرازی در امر سیاست گرچه برای حفظ استقلال مملکت و نگاهداری از تجاوزات بیگانگان بسی سودمند بود، ولیکن بذری در مزرعه روحانیت پاشیده شد که معلوم نیست چه حاصلی برویاند و چه نتیجه در آینده برای سیاست و روحانیت این مملکت داشته باشد و کدام دست قوی بتواند این خلط و مزج را برهم زده و هریک از سیاسیون و روحانیون را به ادای وظیفه خود وادارد. (۴۱)

از تحریفهای دیگر آنکه سعی می‌کند خود ناصرالدین شاه را عامل وقایع معرفی کند: دوستعلی خان معیرالممالک در خاطراتش می‌نویسد که ناصرالدین شاه اندکی پس از اعطای امتیاز، به سبب واکنش

◇ جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ———

خصمانه روسها، از آن کار پشیمان بود؛ از این رو، علاءالدوله را به سامراء، نزد میرزا حسن شیرازی فرستاد با این تقاضا که به تحریم استعمال تنباکو فتوی دهد. (۴۲)

دولت‌آبادی در جای دیگر دشمنی کامران میرزا با امین‌السلطان را عامل حکم می‌داند. (۴۳)  
نویسنده دیگر که با دیدگاه مارکسیستی، به سراغ این واقعه رفته و غرق در ذهنیتهای خود است، می‌نویسد: نخستین قدرت‌نمایی این دسته، در سالهای ۱۸۹۱ روی داد. انحصار تنباکو، منافع بورژوازی تجاری و بورژوازی ملاک ایران را سخت بخطر انداخت؛ در نتیجه، بر اثر تحریکات بورژوازی تجاری و ملاک و روحانیون، شورش عظیمی روی داد. ترکیب علما در مسئله تحریم تنباکو، ترکیب ناهمگونی بود؛ در این تحریم، روحانیونی نظیر میرزای آشتیانی شرکت کردند که آلت دست سفارت روسیه بودند و سرانجام در این تحریم علمایی نظیر بهبهانی شرکت نکردند و حتی در ملاء عام قلیان کشیدند که بعدها از رهبران انقلاب مشروطه شدند. (۴۴)

در همین کتاب، در تحلیل از بایبه و سید علی‌محمد باب و قره‌العین، مطلب عجیبی هست و نویسنده کتاب در نهایت بایبه را بازگشت به سنتهای انقلابی شیعیان تندرو می‌داند.

حامد الگار که یکی از ایرانشناسان امریکایی است، در کتاب خود به تحلیل تحریم تنباکو می‌پردازد و مسائل زیر را پیرامون این واقعه مطرح می‌کند:

قیام را حاصل اتحاد علما و بزرگان می‌داند. (۴۵)

۱) در عین حال معلوم نبود که فتوی به قلم میرزا حسن شیرازی نوشته شده است یا دیگران به نام او نوشته‌اند. (۴۶)

۲) عملاً با اثبات قدرت علما معتقد است که این مسئله اساسی، تماسهای بعدی میان سیاست انگلستان و برخی از علما را موجب شد. (۴۷)

۳) مسئله رقابت بین علما، و انحصار قدرت سیاسی.

۴) به نتیجه‌گیری غلط نویسنده هم می‌توان اشاره کرد که: «علما از تفوقی که پس از لغو امتیاز تنباکو به دست آورده بودند، بلافاصله بهره‌برداری نکردند و در تضعیف سلسله قاجاریه اقدامی جدی بعمل نیاوردند؛ سهل است، حتی به نظر می‌رسید که بین دولت و علما نوعی همکاری هم هست.» (۴۸)

ماحصل کتاب تحریم تنباکو در ایران نیز که نوشته یکی از ایرانشناسان غربی است، صرف نظر از

## — جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ◇

جنبه‌های مثبت کتاب، این است که: در این کتاب، نویسنده هر چند از اسناد و مدارک و مأخذ تاریخی و حتی گزارشهای دیپلماتهای خارجی سود برده، تحلیل وی از یک نهضت عمیق روحانی شیعی، در نهایت تحلیلی غربی، یک بعدی و حتی منطبق با کلیشه‌های رایج در آن دیار است.

کتابهای اسناد نویافته و اسناد سیاسی دوران قاجاریه و اسناد برگزیده دوران قاجاریه و پنجاه نامه تاریخی که تماماً در فاصله یک دهه قبل از انقلاب توسط ابراهیم صفایی نگارش یافته است، هرچند از جنبه سندشناسی و ارائه مدارک دست اول تاریخی ارزشمندند، دارای سطح تحلیل مغلظه‌آمیز بوده، در مجموع قیام تحریم را تحریک روسیه، تحریک تجار وابسته و بیشتر بر اثر اختلافات درباریان و بازیهای سیاسی می‌دانند و حتی خود قرارداد و سیاست ناصرالدین شاه را به نفع ملت ارزیابی می‌کنند.

کتاب دیگر با عنوان تحریم تنباکو یا اولین مقاومت منفی در ایران، هر چند در چند دهه اخیر رایج‌ترین اثر در شناخت قیام تحریم تنباکو بوده، متأسفانه در آن ظلم بزرگی به مأخذ اصلی اش یعنی کتاب تاریخ الدخانیه شده است. و اینکه نویسنده در پایان کتاب در بخش مأخذ با معرفی «یادداشت‌های منسوب به مرحوم شیخ حسن کربلایی»، کتابی به این معتبری را چنین عنوان کرده، کمال بی‌انصافی بوده است.

اما در آرشیو وزارت امور خارجه انگلیس و اسناد وزارت خارجه فرانسه و «مکاتبات راجع به امتیازنامه دخانیات ایران در لندن در سال ۱۸۹۲» که مجموعه‌ای است که در همان زمان تقدیم پارلمان انگلیس شده، حاوی ۴۸ سند اصلی با ۴۴ سند ضمیمه است که این اسناد، دیدگاه‌های دولتهای خارجی به خصوص انگلستان و فرانسه و تحلیل آنان از وقایع را منعکس می‌کند. هرچند این اسناد از زاویه نگرش غربی به رجال و وقایع و تحولات ایران مفید است، در تحلیل همه جانبه و عمیق از یک نهضت شیعه در ابعاد معنوی و حتی نقشها و ارتباطات عاجز است و نمی‌تواند برداشت صحیحی داشته باشد.

کتاب دیگر، شورش بر امتیازنامه رژی از دکتر فریدون آدمیت است که نویسنده در آن درخصوص ماهیت و اساس تحریم در قیام علیه امتیاز دخانیه مطالبی عنوان کرده است که به نظر می‌رسد با روح و جوهر بسیاری از اسناد و مدارک ارائه شده در این کتاب تعارض جدی دارد و چنین می‌نماید که این تعارض بیشتر بر محور ماهیت و فلسفه وجودی خود «تحریم» باشد. (۴۹) آری؛ اگر جنبش علیه قرارداد رژی را از فحوا و عمق تحریم خالی کنیم و به بقیه مسائل و حوادث تاریخی نظر افکنیم، خواه نا خواه

## ◇ جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ———

خواهیم نوشت: «شورش بر امتیازنامه رژی»، ولیکن اگر محور و اساس جنبش دخانیه را «تحریم» قرار دهیم، آنگاه به خیزش تاریخی - فکری آن نظر اندازیم و موجی را که تحریم، نیم قرن بعد از رژی ایجاد کرد، دقیقاً واریسی کنیم، پی خواهیم برد که سطح بینش و فکر تاریخی ما ارتقای کیفی می‌یابد و واژه «انقلاب، قیام و نهضت» را بجای «شورش» متناسب آن برهه تاریخی قرار می‌دهد. و اگر جنبش تنباکو را یکی از فصول مهم و سرآغاز اجتماعی نهضت فکری - سیاسی تحریم بدانیم، آنگاه با قید احتیاط و با پیمودن راه اعتدال می‌توانیم از جریان نامسلط، عمیق و تقابلی عصر تحریم در دل عصر بی‌خبری و قرن سکوت خبر دهیم.

در اینصورت مسئله از صورت منافع طبقاتی چند تاجر بازاری و بازرگان تنباکو، خارج شده، به منافع ملی، عمق فکر مذهبی، و اندیشه فراتاریخی تبدیل می‌شود و شاید اگر بخواهیم به نوعی ابن‌خلدون بیاندیشیم، تقریباً نوعی «قانونمندی اجتماعی - سیاسی» را در جامعه ایران برای اعتلای استقلال و هویت فرهنگی و سیاسی یافته‌ایم. اگر بخواهیم ایرادهای خود را بر ماهیت تحریم و پیامدهای آن از دیدگاه کتاب شورش بر امتیازنامه رژی برشمردیم، مطالبمان به چند بخش تقسیم می‌شود.

اول: نویسنده کتاب شورش بر امتیازنامه رژی، ماهیت عمل تحریم را تا حد منافع طبقاتی تجار، پایین می‌آورد و با نادیده گرفتن عمق قیام و صرف نظر کردن از قسمت اعظم اسناد می‌نویسد: «بررسی دقیق مدارک در سیر حوادث از تهران گرفته تا شیراز و تبریز و اصفهان و مشهد، بی‌چون و چرا روشن نمود که اقدام منظم تجار، علت فاعلی حرکت بر علیه دستگاه رژی بود و علما به آن جریان کشانده شدند و به درجات، مشارکت فعال جستند؛ مشارکتی که گاه با ترغیب و گاه در برابر تهدید جانی صورت گرفت.» (۵۰)

این تحلیل و تحلیل‌های مشابه آن (۵۱) را که بیشتر آن تکرار مکررات است، به دلایلی چند می‌توان خدشه‌پذیر و ضعیف توصیف کرد:

الف: اگر بخواهیم ریشه‌یابی کنیم که این همه اصرار دکتر آدمیت و همفکرانش در انتساب این حرکت به اقدام مجدانه تجار به چه دلیل است، می‌توان روی زاویه فکری و دیدگاه فلسفه سیاسی آنان انگشت گذاشت. از نقطه نظر اینان باید بین تجار و علمای مذهبی، اختلاف ماهوی وجود داشته باشد و این اختلاف بر طبق کلیشه‌های ذهنی اینان، از اختلاف بین تجار و کشیشان در انقلاب فرانسه سرچشمه

## — جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ◇

می‌گیرد. برای آنکه یک نهضت اجتماعی بوجود آید، به یک طبقه جدید خودآگاه اقتصادی نیاز هست؛ بنابراین، شأن تجار در ایران، به ناگهان به رده‌ی نوعی بورژوازی ملی در بعد اجتماعی ارتقا می‌یابد. و می‌بینیم که تحلیل این رده‌ی فکری در مشروطیت نیز دقیقاً بر این پایه است؛ البته با این تفاوت که در مشروطیت، سطح بحث از رابطه‌ی تجار و علما به باز شدن پای روشنفکران و تحصیلکردگان غربی کشیده می‌شود. علت اینکه این مورخان نمی‌توانند از عنصر روشنفکر تحصیلکرده‌ی غربی در نهضت تنباکو یادی بکنند، حضور کم و تقریباً ناچیز اینان در این حرکت عمومی بوده است. از نظر آقایان آدمیت و یا حائری، علمای مذهبی فاقد نوعی شعور اجتماعی و درک سیاسی هستند؛ لذا در جنبش تنباکو، تجار هدایتگر آنان بوده و در جنبش مشروطیت، روشنفکران، اصول فکر سیاسی و تفکر اجتماعی را به آنان آموزش داده و القا می‌کرده‌اند. در یک کلام، از دیدگاه کلی دکتر آدمیت، علمای مذهبی هیچگاه متحرک بالازاده نبوده‌اند و نیستند. اگر عوامل فکری و روحی دیگر را در تحلیلهای اینان کنار بگذاریم، ریشه اصلی این گونه تجزیه و تحلیل و بینش تاریخی، به کلیشه قرار دادن جریان فکری - تاریخی اروپا برمی‌گردد و اینکه باید نهضتها و حرکت‌های آزادی‌طلبانه و باارزش ملی، برداشت و تقلیدی از آنگونه جریان‌های دمکراتیک باشد؛ و اگر کوچکترین انحراف و یا عدم تطابقی بچشم بخورد، در این دیدگاه، این نهضتها، غیراصیل، ارتجاعی، واپس‌گرا و در یک کلام بی‌حاصل خواهد بود.

ب: بسیاری از اسناد و مدارک در قیام علیه رژیم، حکایت از آن دارد که تجار و کسبه‌ای بوده‌اند که به دلایل چندی حتی موافق عمل رژیم بوده‌اند؛ (۵۲) و در ضمن، اثبات اینکه تجار از یک بینش عمیق سیاسی - اجتماعی در قبال تحولات آگاه بوده‌اند، بسیار دشوار است.

پ: اینکه دکتر آدمیت معتقد است که تجار، علما را به صحنه مبارزه اجتماعی کشاندند و همکاری علمای مقتدر را به دست آوردند، باید سؤال شود حربه‌ی تجار و ابزار آنان در این کشاندن چه بوده است. اگر جواب داده شود بهانه و جوهات شرعی، باید گفت این جواب نه تنها از بی‌خبری کامل نویسنده از ماهیت و عمق دستگاه و نهاد مرجعیت خبر می‌دهد، بلکه باید در اطلاعات تاریخی نامبرده از اوضاع و جریان اقتصادی علما نیز شک کرد.

حال اگر بخواهیم جریان را عوض کنیم و بگوییم مراجع و علمای بزرگ بوده‌اند که همه‌ی اقشار را در واقعه‌ی تنباکو و در عصر مشروطیت به صحنه‌ی اجتماعی کشاندند، سخن به گزافه نگفته‌ایم. حربه‌ی این

◇ جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ———

دنباله‌روی نیز از مسئله اقتصاد و طبقه خارج بوده است و به مسئله اعتقادات و باورهای مذهبی برمی‌گردد؛ و بر فرض هم که تعدادی از تجار، عاری از این گونه اعتقادات و باورهای عمیق بوده باشند، جامعه و روند و بافت اعتقادی اجتماعی ایران به هیچ وجه به آنان اجازه بروز مخالفت نمی‌داده است. با این تحلیل می‌توان راحت‌تر بررسی کرد که چرا یک تاجر تنباکو اظهار می‌دارد که دوازده هزار کیسه تنباکوی خود را با خدا معامله کردم.

مسئله وقف، زمینهای مزروعی، نذورات و اعتقادات مردم، از طرفی زهد، منس بلند، میزان تحصیلات و نحوه سلوک و استقلال و قدرت مراجع طراز اول شیعه، خواه ناخواه ما را به این بیشش سوق می‌دهد که پایگاه اجتماعی و شأن و رتبت علما با تجار، نه تنها در مقابل هم قرار نمی‌گیرد، بلکه در روند جنبشها و نهضت‌های مذهبی و مردمی، تجار و سایر اقشار به عنوان مقلدین باوفا و حامیان نفوذ اقتصادی برای علما عمل می‌کرده‌اند.

دوم: در مطالب و عناوین دیگری که دکتر آدمیت درباره ماهیت تحریم مطرح می‌کند، نوعی سفسطه و نکته انحرافی است. او می‌گوید: «فکر تحریم دخانیات در اصل، مغایر نظرگاه اکثر پیشوایان مذهبی بود.» (۵۳)

در پاسخ باید گفت که فکر تحریم دخانیات در صورت عادی البته این گونه بوده و حرمت آن به هیچ وجه بذاته مطرح نبوده است؛ ولی وقتی مسئله امتیاز خارجه و تفوق کفار بر بلاد اسلامی مطرح می‌شود و قضیه دخانیه، بهانه و مرکز توجه یک نهضت عمومی و اجتماعی می‌گردد و جریانی تحت عنوان تحریم پیش می‌آید، البته که نظرگاه اکثر علمای مذهبی به حرمت آن برمی‌گردد و این مطلبی است که دکتر آدمیت قادر به درک آن نیست. چنانکه وقتی دربار و حکومت ناصری خواست بین علمای بزرگ اختلاف اندازد و از مجتهد کربلا مرحوم شیخ زین‌العابدین راجع به حکم حرمت تنباکو سؤال کردند، وی نیز حکم میرزا را بخاطر ابعاد سیاسی و اجتماعی تأیید کرد و متابعت خود را اعلام داشت (۵۴) و یا وقتی ظل السلطان برای آقاجنقی پیغام می‌دهد که شراب که از تنباکو نجس تر است، همانقدر که درباب شراب نهی دارید، درباب تنباکوهم نهی دارید، آقاجنقی جواب می‌دهد: «ما به تکلیف شرعی خودمان عمل می‌کنیم و شما هم به تکلیف عرفی خودتان عمل کنید.» (۵۵)

صرف نظر از مسئله تنباکو، اجناس خارجی، پارچه‌ها، اقمشه و امتعه فرنگی و حتی کاغذهای مارک-



## — جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ◇

دار نیز وقتی بهانه‌ای برای استیلای اجانب بر کشور اسلامی می‌شده، مورد تحریم قرار می‌گرفته است. سوم: نویسنده کتاب شورش بر امتیازنامه رژی، حوزه تحریم را بسیار کوچک گرفته و حتی همان تحریم تنباکو و فسخ رژی را نیز دو حصه می‌کند:

مطلب مهمتر: در تأثیر حکم منع دخانیات است که باید قائل به تفکیک به دو مرحله متمایز شد: در مرحله نخستین به حکم پرهیز از شرب دخان ممد و تسریع‌کننده جریان عمومی رژی بود و تنها به الغای انحصار داخلی انجامید. (۵۶)

البته چنان که پیشتر یادآور شدیم، این عنوان بالا و جزئی‌نگری، با کل جریان تحریم عدم مطابقت کلی دارد؛ چرا که به استناد اسناد و مدارک متنوع و از مقاطع مختلف، بر این رأی تاریخی رفتیم که: الف: قبل از تحریم تنباکو، تفکر تحریم، سه سال قبل از رژی در استفتای شیخ فضل‌الله نوری از میرزای شیرازی و جواب میرزا درباره منع استعمال قند مجلوب روس عینیت می‌یابد؛ بنابراین، تحریم قبل از تنباکو شامل چیزهای دیگر هم شده بود.

ب: قیام تحریم، در اولین ثمره خود، به الغای قرارداد رژی منتهی می‌شود؛ ولی چنانکه در اسناد فصل قبل ملاحظه شد، ابعاد آن در سنوات بعدی شامل ابعاد دیگری از نفوذ اقتصادی فرنگیان در ایران نیز می‌شود. بنابراین تحریم، چه از جهت کمی و چه از جهت کیفی، تداومی دارد که بسیار فراتر از تنباکو و رژی بوده است.

پ: در راستای قراردادهای و امتیازات خارجی نیز نمی‌توانیم با نویسنده کتاب شورش بر امتیازنامه رژی که «ابعاد قیام تحریم فقط به بعد لغو انحصار رژی کمک کرد»، همداستان باشیم چرا که هر چند اعطای امتیازات دیگر به اجانب، بظاهر نهضت و قیام عمومی را در پی نداشت، مخالفت علما و مردم با این امتیازات و انتقاداتی که مثلاً از استقراض از روسها می‌شد، همه بخاطر این بود که قبح امتیاز دادن به اجنبی و مترادف دانستن امتیاز خارجی با اضمحلال دین و ملت، در اندیشه علما و ملت رسوخ کرده بود و این خود به صورت عاملی نیرومند در مشروطیت عمل کرد. در حقیقت تحریم به عنوان نوعی معیارسنجی در مورد قراردادهای خارجی عمل می‌کرد و در اندیشه و وجدان عمومی، هیجان و التهاب برمی‌انگیخت؛ و متون سیاسی و مقالات اجتماعی عصر مشروطیت و عملکرد مجلس اول و حساسیت‌هایی که در این زمینه بروز می‌کرد، همه حکایت از تیزبینی و درایتی دراد که قبل از قیام تحریم و در موقع

## ◇ جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ———

اجرای سایر قراردادهای و امتیازات خارجی پیش از رژی مشاهده نمی‌شده است. دکتر آدمیت این نکته را مبهم می‌گذارد که چرا میرزا در مورد لغو همه امتیازات و یا قطع بالمره ید فرنگی در همان زمان اقدام نکرد و امتیازات راه‌آهن و یا بانک را که قبلاً مطرح می‌کرد، بعد از لغو قرارداد تنباکو مصرانه عنوان نکرد، و یا اینکه چرا میرزا به تکفیر نظام ناصری اقدامی نکرده است؛ و فقط به این اشاره می‌کند، که میرزا «تمکین دولت را بر عموم رعایا و علما لازم می‌شمرد» و «چنین تصوراتی و انجام این گونه مهمات در مورد وی خام‌اندیشی محسوب می‌شود».

در این مورد نیز به نظر می‌آید که روح بلند و تفکر میرزا با این تحلیلهای تاریخی بسی فاصله دارد؛ چرا که این مطلب چند بعد دارد:

(۱) میرزا هیچگاه به بودن سایر امتیازات رضایت نداده است و حتی در آخرین نامه‌های خود، بعد از تشکر از لغو رژی، باز به اشاره یا به کنایه نارضایتی خود و حرمت امتیازات بانک و راه‌آهن و غیره را مطرح می‌سازد.

(۲) اینکه تصور کنیم یک جنبش اجتماعی در مدتی کمتر از دو ماه همه اساس ظلم و سیاست فاسد را به یکباره نابود کند، تصویری خام خواهد بود. و اصولاً مقدماتی که در شروع نهضتها و جنبشهای بزرگ گذاشته می‌شود، چه بسا که در دهه‌های بعدی بنشیند؛ کما اینکه ما ثمره قسمتی از ابعاد نهضت تحریم را در زاویه‌هایی از نهضت مشروطیت دیدیم و به نظر می‌آید نهالی که در جنبش تنباکو کاشته شد، به هر حال محتاج زمانی بود که بارور شود و این نکته را خود دکتر آدمیت نیز معترف است: «حرکت در جهت تغییر نظام سیاسی حاکم، با نیروی انگیزش امتداد یافت.» (۵۷)

(۳) هر نهضت و حرکت اجتماعی و سیاسی به هر حال دو رکن اصلی دارد: رهبری و مردم. حکم تحریم تنباکو، از روزی که شایع شد تا روزی که خبر لغو آن رسید، پنجاه و پنج روز بطول انجامید؛ ولیکن کارشکنیها و موانع مختلفی که در کار بود، باعث شد که میرزا نتواند اهداف بلند بعدی را مطرح کند. این عوامل، کارشکنی دولتیان، میزان طاقت مردم، عدم همراهی برخی از معممین، و کوتاهی فکر برخی از تجار، از فاصله میرزا با سایرین حکایت می‌کرد. به نظر می‌رسد اگر رهبری یک حرکت اجتماعی این مسائل را مدنظر قرار ندهد و صرفاً مسائلی را مطرح کند که هیچگونه زمینه فکری - اجتماعی نداشته باشد، آنچه عایدش می‌شود، بی‌اقبالی مردم و جری شدن عوامل حکومتی خواهد بود.

### نتیجه گیری

بنابر آنچه بیان شد، موجی که از تحریم تنباکو به ازمَنه تاریخی بعدی رسید، به صورتی بود که در قرن اخیر ایران، کمتر نهضت، جنبش و حرکت اصلی را سراغ داریم که وامدار نهضت تحریم نبوده و تأثیری از آن فکر تاریخی و نهضت بزرگ مذهبی-مردمی نپذیرفته باشد. با در نظر گرفتن مجموع عوامل یاد شده و تأمل در کلیه اسناد و مدارک تاریخی، بالضروره به این نکته خواهیم رسید که رمزی در «نهضت تحریم» وجود دارد که سایر جنبشها و امواج سیاسی قرن اخیر را سخت متأثر ساخته است، رمزی که نشان از «خبر» در عصر بی خبری و «فریاد» در قرن سکوت می‌دهد.

منابع و یادداشت ها

- ۱- حسن اصفهانی کربلایی، **تاریخ دخانیه**، به کوشش رسول جعفریان، دفتر دوم (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، صص ۳۴-۳۵.
- ۲- همان، صص ۳۶-۳۵.
- ۳- همان، صص ۴۷-۴۸.
- ۴- همان، ص ۹۴.
- ۵- همان.
- ۶- همان، صص ۹۴-۹۵.
- ۷- همان، ص ۱۰۷.
- ۸- همان، ص ۱۰۷.
- ۹- همان، ص ۱۰۸.
- ۱۰- همان، ص ۶۶.
- ۱۱- همان، صص ۱۰۷-۱۰۸.
- ۱۲- اینکه فروشندگان تنباکو در صد سال قبل، از نصب نشان و اجازه کمپانی خارجی بر سردر مغازه امتناع می‌ورزیدند را بایستی با روزگاری مقایسه کرد که عده‌ای در رُستهای متجدد و مترقی، نمایندگی این گونه کمپانیها و نصب اسامی آنان را افتخار می‌دانند.
- ۱۳- اصفهانی کربلایی، **پیشین**، ص ۶۸.
- ۱۴- همان، ص ۶۸.
- ۱۵- همان، ص ۶۹.
- ۱۶- همان، ص ۷۱.
- ۱۷- ر. ک. علی مدرسی، «نگاه مدرس به واقعه دخانیه»، در: موسی نجفی و رسول جعفریان (به اهتمام)، **سده تحریم تنباکو** (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳).
- ۱۸- همان، ص ۱۳۸.
- ۱۹- همان، ص ۱۳۶.

— جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ◇

۲۰- همان، ص ۱۳۵ و در جای دیگر می‌نویسد: برای اولین بار بود که سیاست را با دسیسه‌ها و فریب‌هایش می‌دیدم و تجربه می‌کردم. از همان ایام به مطالعه جدی تاریخ اقوام و ملل پرداختم و متوجه شدم که این بحث در دروس ما چه جای خالی دیرینی دارد.

۲۱- نام آن جریانی خط سامرا است که مربوط می‌باشد به میرزای شیرازی و شاگردان و پیروانش که مدرس از این زاویه با سید جمال صحبت می‌کند. خط دیگر، جریان طرفدار سید جمال‌الدین اسدآبادی است که در تاریخ صدساله ایران، پیروان و رهروان فراوانی داشته است.

۲۲- مدرسی، پیشین، ص ۱۳۶.

۲۳- ر. ک. محیط طباطبایی، نقش سیدجمال‌الدین در بیداری مشرق زمین (بی‌جا، بی‌تا).

۲۴- محمدتقی آیت‌اللهی، ولایت فقیه زیربنای فکری مشروطه مشروعه (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳)، صص ۱۷۷-۱۷۴.

۲۵- نقل از مجله حوزه ویژه یادواره صدمین سال درگذشت میرزای بزرگ، شماره ۵۱-۵۰، خرداد، تیر، مرداد و شهریور ۱۳۷۱: آیت‌الله سید رضی شیرازی در این باره از آیت‌الله شیخ عبدالحسین نوری به نقل از پسرشان نقل می‌کند: یکبار از سامرا، از طریق ترکیه، به مکه مشرف شدم. در بازگشت، به استامبول که رسیدم، سید جمال‌الدین باخیر شد و از من ملاقات خواست. وقتی که آمد، گفت: پیامی دارم برای میرزا که می‌خواهم به وسیله شما برای ایشان بفرستم. به میرزا بگو ناصرالدین شاه فرد فاسدی است؛ ابتدا او را تکفیر و سپس عزل کند. به سیدگفتم: اگر ناصرالدین شاه را عزل کند، چه کسی بجای او بیاید. سید جمال گفت: خود من. گفتم: با چه پشتوانه؟ گفت: به پشتوانه سلطان عبدالحمید. با این سخن سید مخالفت کردم و بگو مگو بالا گرفت. در عین حال، نتیجه‌ای نداد. به سامرا که آمدم، خدمت مرحوم میرزا رفتم. میرزا خارج شهر بود. جریان ملاقات با سید را به ایشان گفتم. میرزا فرمود: شما چه جوابی دادی؟ گفتم: مخالفت کردم با این پیشنهاد. مرحوم میرزا گفت: اگر موافقت کرده بودی، رابطه من با تو قطع می‌شد. می‌دانی این پیشنهاد چه مفسده‌ای دارد؟ معنایش این است که تنها کشور مستقل شیعه، استقلال خودش را از دست بدهد و تبعه دولت عثمانی گردد. این به مصلحت نیست. اگر ما ناصرالدین شاه را عزل نمی‌کنیم، بخاطر حفظ این ظاهر است.

۲۶- جمله مرحوم مدرس در این باره چنین است: بالاخره این واقعه تاریخی، نظام سلطنت را سست و از

◇ جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ———

اقتدار انداخت. قدرت و احترام فرد یا حکومت، ریشه در قلوب مردم دارد؛ اگر این ریشه آسیب دید، درخت قدرتها زرد می‌شود و کم‌کم می‌خشکد و طوفانی و تبری آن را از ریشه برمی‌کند. استبداد سلطنتی در ایران بدون توجه به واقعه دخانیه، به مشروطیت نمی‌رسید. آن همه تعارفات و القاب و گنده کردنها هم که بعدها در نامه‌ای حضرات میرزاها برای ناصرالدین شاه عنوان شده، نتوانست برگی تازه بر این درخت کبوده سلطنت پکه زند (پکه به زبان محلی نواحی اطراف اصفهان، یعنی جوانه زدن و سبز شدن درخت).

۲۷- به تعبیر مرحوم مدرس، واقعه دخانیه نوین بود که سحرگاه مردم تیزهوش خفته را بیدا کرد و بطور طبیعی از زلزله شدیدی که متعاقب آن باید بوقوع می‌پیوست، باخبرشان کرد. عامه مردم هم که به علت بی‌خبری، درکی از آن واقعه نداشتند، خطر را احساس کردند و چون به علمای مذهبان اعتقاد داشتند، همراه آنان بحرکت درآمدند. اگر محرک و متحرک با تکیه به هم و عقیده به هم عالمانه به نفع جامعه فعالیتی را شروع کنند، خداوند متعال حمایت از آنان را تقبل کرده است.

۲۸- سید محسن امین، *اعیان الشیعه*، جلد ۱۶ (بیروت، بی‌جا، چاپ چهارم، ۱۹۶۰)، ص ۲۸۳.

۲۹- بی‌نا، *نشریه حوزه*، سال پنجم، شماره ۳۰، بهمن و اسفند ۱۳۶۷، ص ۴۱.

۳۰- بالای هر چیزی، نوک قله، مدخل در: علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه؛ زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، *واژه نامه دهخدا* (تهران: دانشگاه تهران، سازمان لغت نامه دهخدا، ۱۳۲۵).

۳۱- سماک نام ستاره و آن منزل چهاردهم قمر است، مدخل در: دهخدا، *پیشین*.

۳۲- مقاله‌ای که مؤلف نقل کرده و به همین جا خاتمه یافته است، مربوط است به اصفهانی کربلایی، *پیشین*، صص ۳۸-۴۱.

۳۳- منہمک: کوشنده در کاری، کوشش کننده، مدخل در: محمد معین، *فرهنگ فارسی معین* (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۰).

۳۴- ضره: به معنای هوو؛ همسوی. در مثل آمده است: الحُسْنُ ما شَهِدَتْ بِه الصَّرَات. جمع آن ضرائر نیز هست.

۳۵- آیه ۱۷ سوره رعد قرآن چنین است: «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ اَوْدِيَةً بِقَدَرِهَا». گویا قصد مؤلف، آوردن آیه نبوده بلکه جمله‌ای را که مضموناً به آیه نزدیک بوده، از خود انشا کرده است.

— جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ◇

۳۶- اصفهانی کربلایی، پیشین، صص ۴۷-۴۱.

۳۷- روشنفکران ایرانی در طول حیات دویست ساله‌شان نقش بیداردهندگی، خط‌دهی، جریان‌سازی ملی، روشنایی بخشی، مبارزاتی و در مواقعی سرعت دهی در تحولات اجتماعی و سیاسی برای خود قائل بوده‌اند. عنصری که به قول خودشان بدون حضور آن هیچ چیز دستخوش تحول مثبت نمی‌شود و فقدان آن مرگ اندیشه و حرکت را در جامعه باعث می‌شود. جنبش تحریم، خط بطلان جدی بر این نظریهٔ تحمیلی در تاریخ و سیاست ایران است.

۳۸- *جریدهٔ اختر*، شمارهٔ ۲۵، ۲۵ جمادی‌الاول، ۱۳۰۸.

۳۹- همان، شماره ۲۳.

۴۰- یحیی دولت‌آبادی، *حیات یحیی* (تهران: عطار و فردوسی، ۱۳۶۲)، ص ۱۳۶.

۴۱- همان، ص ۱۳۷.

۴۲- همان.

۴۳- همان.

۴۴- محمدرضا فشاهی، *نکاتی چند دربارهٔ بحران کنونی ایران* (بی‌جا: بی‌تا)، ص ۶۸.

۴۵- حامد الگار، *نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت* (بی‌جا: بی‌تا)، ص ۲۹۵.

۴۶- همان.

۴۷- همان.

۴۸- همان.

۴۹- کتاب شورش بر امتیازنامهٔ رژی را از جهات تحلیل تاریخی دارای اشکالات می‌دانیم؛ ولی مسئلهٔ مورد توجه ما پیرامون فکر تاریخی تحریم و مسائل مربوط به آن دور می‌زند. اما بواقع با نظریهٔ نویسنده در مورد بی‌ارزش بودن و ضعف تاریخی - فکری کتابهایی نظیر نوشته‌های نیکی کدی و حامد الگار، هم رأی هستیم و شکی نیست که نظریهٔ وی در خصوص کتاب تیموری و زنجانی نیز قابل قبول و مطابق گزارشها و اسناد معتبر است؛ ولی انتقاد عمدهٔ ما بر این کتاب، نادیده گرفتن بسیاری از اسناد و مدارک و متون تاریخی است و کنایه‌ها و مسخره‌کردنها و حامد الگار، هم رأی هستیم و شکی نیست که نظریهٔ وی در خصوص کتاب تیموری و زنجانی نیز قابل قبول و مطابق گزارشها و اسناد معتبر است؛ ولی انتقاد

◇ جریان شناسی تحریم در تاریخ فکر سیاسی ایران و تأثیر آن در نهضت بیداری اسلامی ———

عمده ما بر این کتاب، نادیده گرفتن بسیاری از اسناد و مدارک و متون تاریخی است و کنایه‌ها و مسخره‌کردنها و نیش‌زدنهای پیاپی نویسنده به علمای دینی تقریباً در سرتاسر کتاب بچشم می‌خورد و چهره مؤلف را از راستای محقق بیطرف و بی‌غرض خارج می‌کند. هر چند که زاویه دید و نحوه گزینش و برداشت هر نویسنده از اسناد و مدارک تاریخی بادیگری فرق می‌کند، ولی اینکه نویسنده قسمتهایی را که مورد قبولش نیست، به باد تمسخر بگیرد و از یک موضع روحی بالاتر حتی از خود تاریخ به اظهارنظر بپردازد، دور از شأن یک مورخ با انصاف است. چنانکه در مورد شیخ حسن کربلایی که آن همه از او تعریف و تمجید می‌کند و در اصالت کتابش هیچگونه تردیدی روا نمی‌دارد که بواقع نیز همینطور است، وی باز می‌نویسد: آنچه از «رساله دخانیه» مورد استفاده ما است، همان متن اسناد و برخی روایتهای تاریخی است؛ بقیه مطالب آن به کار ما نمی‌خورد، با پرحرفیهایش هم کاری نداریم. (شورش بر امتیازنامه رژی، ص ۱۴۵)

۵۰- فریدون آدمیت، *شورش بر امتیازنامه رژی* (تهران: پیام، ۱۳۶۰)، ص ۱۳۲.

۵۱- مانند تحلیل دکتر عبدالهادی حائری در کتاب *تشیع و مشروطیت*.

۵۲- ر. ک. قصیده تاریخ در دیوان طرب؛ که آقای سید مصلح‌الدین مهدوی در مقاله «یک قصیده تاریخی- سیاسی از عصر تنباکو» به تفصیل آن را بیان کرده‌اند. ر. ک. حسن اصفهانی کربلایی، *تاریخ دخانیه*، به کوشش رسول جعفریان، دفتر اول (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، صص ۱۲۰-۱۱۱.

۵۳- آدمیت، *پیشین*، ص ۱۳۳.

۵۴- ر. ک. تاریخ دخانیه حسن کربلایی.

۵۵- ابراهیم صفائی، *اسناد سیاسی دوران قاجار* (تهران: شرق، ۱۳۴۶)، ص ۴۱.

۵۶- آدمیت، *پیشین*، ص ۱۳۳.

۵۷- آدمیت، *پیشین*، ص ۱۴۱.